

مَوْلَانَا
عَلِيٍّ الشَّاهِدِ
عَلِيٍّ الْعَزِيزِ بْنِ

جِلْدًا وَكُتُبًا
تَارِيخِ مُنْطِقِ نَابِهَرِ كَرْمَانِ
مُعْتَمَدِ السُّلْطَانِ صَبِيحِ الدُّلَاءِ مُحَمَّدِ
خَانِ بِلَانِ سَهَابِ ۱۲۹

فَتْمَنَا
جِلْدًا وَكُتُبًا
مِنْ دَارِ

دبایچه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلطنت و جها بنانی ملا کریم زامن که ملکش از زوال مصو است و مملکتش از حیرت حد بد بیرون بر تریغ بلغش
بطغرای کن فیکون موشع و توفیع و قبعش بطرا زله الخلق و الامر مطر ز در قلم و حکمش کوه زمین جوی صغیر
و کوی آسمان مسخر و ر بوده صولجان تغدیر ستن این سلطنت که ازل و ابد بعضی از قرون آن میباشد تا موشع آ
و حوادث و سوانح آن که بعد و حصر نباید علی القیین و غیر مدون کسینت که موشع این تاریخ تواند بود و حساب
این شهور و سنین تواند نمود در در فرایام حرنی از آن نیست مجموعاً و همام و اطرنی از آن نه سندیک بدان
دست می باشد کجاست و خبر که اعتماد را شاید که است نهها اگر کشف بازی توان کرد از سفرای کبار انحضرت که ^{لان}
مرسل اند و امنای و حی منزل خاصه پیغمبری که علت بعثت آن نتمیم مکارم اخلاق است و قانون و دستور
منقن او مایه تکمیل مرتبه و زینت نفس و آفاق پناه امت نبی امی فرستاده گردیده پروردگار محمد مختار
صلوات الله علیه و علی آله الاطهار

والایمه الاخیار

الابرار

اما بعد معهود این بود که در ظرف سنه لوی پنجم کتاب مرآت البلدان ناصری که از حرف جاء شروع میشود و حاوی شرح جغرافیة ممالک محروسه و تواریخ متعلقه بآن میباشد نگاشته و طبع شده در اوایل سال خیر مال ییلان پنجم بشریف مطالعه دانشمندان مملکت و طالبان علم و درایت مشرف آید اما از آنجا که مقصود استقصا کامل و استکمال آن بود تا پس از ندرت وین جامع کلیات بل مجموع جزئیات نیز باشد بعبارة اخری از آنکه و محال و بآداب اینهای ماضی و حال بقدر امکان چیزی نماند که فلذا در بیان بیان نکرد شرح هر موضعی بطور مشبع ابراد شود و بسط هر موقعی بوجه لایق سمث نگارش باید و خصوص این مقصود موقوف بفرام آوردن اسباب وافی و اسناد کافی بود و مدتها استکشاف در آن دخیل و مهلت استقرامانع تعجیل لهذا این اقدام را بشهرور و ایام سنه هزار و سصد هجری محول داشت برای آن اوفات گذاشتگر بمانیم و باور زندگانی دایمان مترک رسائیم .

اما در ضمن تحصیل آن لوازم با وجود مشاغل مهم باز خود را از منقطعین میدید و بدین واسطه خاری در پای خاطر میخیزد طبیعت که با بیکاری مانوس نبود احساس خست و افسوس نمود شبها هنگامیکه خیل خیال ابواب خواب را بریده میدود کرده و لشکر اندیشه بر کتورده مانع از هر طرف هجوم آورده با خود گفت بنای جهان بر آبت و هستی ما چون وجود جناب مشک نیست که بی نیاید و اعتماد را نشاید تا زمام فرصت کجام توانائی بچینک است چه جای تعلل و درنگ است مثالی باید ساخت و نقشه باید پرداخت که از ما باز ماند و آید کان راضی بنای در زمانیکه کلبه امور عالم را میل با نظام است مهام کئی را حله و زبور نظام تواریخ فارسی را غیر منظم داشتن و سواخ هر سارا مهم و غیر معین گذاشتن نوعی از قصور است و فنی از سستی و فوری چه زبان اگر در ضمن جمع آوری اسباب مرآت البلدان اینکار نیز صورت پذیرد و در مضمار انبشار جوکان نموده بر مجتبان میدان مسابقت سبقت کرد در زمان این چنانم پسند آمد و خاطر م با انجام آن نیاز مند برای نگارش تاریخی منظم از اول هجرت سید عالم و نبی عالم صلی الله علیه و اله و سلم دامن هم بر گزدم و مصمم انمام آن شدم حوادث عمده و سواخ معظمه تمام روز مین را بی اطناب تمیل با مجاز فخل بعبارتی سیلس و روان سهل و آسان نگاشتم و برای صحت اسناد و تطبیق سنوات نظر دقت و اهتمام را محصل گاشتم و با آنکه اختصا منظور بود هر جا که حاجت بسط داشت از آن بطور اجمال نگاشتم و شرحی که ایضاح مطلب ببلان محتاج بود نوشتم و فقط و فایع را محصور و محدود بشرح سلطنت سلاطین و جنگ و صلح آنها و امثال آن سواخ نمودم بلکه هر گونه حوادث را از قبیل تولد و ارتحال علماء و اعیان ممالک و اختراعات و انکشافات و وقوع زلزله و طوفان و طغیان مها و برورد امراض عمومی و سقوط صواعق و ظهور عجایب جنی بعضی از خسوف و کسوف و غیره را بر آن مزید نمودم تا مجمع فوائد و مجموعت مواید بوده مقبول طباع بوده باشد و قابل انطباع

و از آنجا که ممالک اسلامیة شهد الله ارکانها از صدر اسلام تا کنون دو قسم فرمایند ایرانی در کار بوده یکی حکمرا مذهبی بعنوان خلافت دیگره حکومتی اسلامیه باسم سلطنت این کتاب را در دو جلد فرار داد مجلد اول را که عبارت از همین دفتر باشد بافراض و زوال دولت خلفای بنی عباس که اشهر خلفا میباشد ختم کردم و جلد ثانی را از اسپلای هلاکوخان و طایفه مغول بر اینمالک شروع نموده باخر هذاه السنه ییلان پنجم خیر ییل میرسانم

و چون اجاز این سفینه و سپهر این کنجینه سال بسال منظم نوشته شده و نکارنده نیز از پر تو افتاب بر لب
و بحاب مکرمت و عنایت اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه حجاج اسلام پناه وارث امیر کبیر خرد و حقیقت
السلطان بن السلطان بن السلطان ناصر الدین شاه قاجار ازاله ملکه مقرر و نابالغ الفخار بنبل هر مقصد
ناظر و هر چه دارد از این آستان پیم هر توان مقدس حاصل کرده ادای شکر و نیت را که از واجبات اعمال
و مفروضات اشغال است کتاب ناموشیح و مشوب با اسم این پادشاه معدلت دست نگاه نموده منتظر
نامیدم و جلد اول را که عبارت از شرح سوانح مشصده و بیجاه و شش سال است بیاری قادر و معال در این
سال منتشر ساخت جلد ثانی انشاء الله در ابتدای سنه آتیه جلوه ظهور میابد و در هر حال از زلات
گذشته و آینده استغفار میباید که است که از سهو و غفایان مصون

و هر چه گوید بخت و درستی مفرورن همیشه اغلب صواب باشد

مقبول اول الالباب گردد و السلام علی

منابع الهدی

سدهجری

۶۶۲ مسیحی

آسیا از وقایع اینسال مهاجر حضرت رسول است از مکه بدینکه در بیست و دویم صفر با غزوه ربيع
 اتفاق افتاد فرض شد تا جمعه در قبا قبل از ورود بدین اول خطبه پیغمبر بمسلمانین بیان مسجد حضرت رسول
 در مدینه بروایتی در قبرستان مشرکین بروایتی در نخلستان از نبی بخار بروایتی در موضع خوابگاه شتران نبی بخار بنا
 مسجد بنا و آن بر این معروف و ابوانامه سعد بن زبارة انصار از نقبای نبی بخار و فانی کلثوم بن الهدیم نقاب پیغمبر
 با اشته هشتمه بعد از ورود بدین در شهر یفعه افزودن دو رکعت نماز بر نماز عصر بعد از نگاه بودی مدینه تولد
 عبدالله بن زبیر از مهاجر تولد عثمان بن بشر از انصار تولد مختار بن عبیده ثقفی و زبیر بن ابی بسطام لوی سفید برای
 حمزه و عامر بن مودن و بر راه قریش قول لوانیست در اسلام مامون بن سعد و فاضلادی بواء در یفعه غزوه بواء و
 غزوه بواط غزوه بنوع در جمادی الاولی مکتی نمودن حضرت رسول علی بن ابیطالب علیه السلام با بنو نزیان سال رانسته
 الهجره و سنه الاذن بالرحل خوانند سنه چهاردهم از صعب پیغمبر است سنه هفتم سلطنت هرقل در قسطنطنیه و سال
 سلطنت و چهارم خسرین و نیز اینکا ابن ستر از حیره گرفتار شد خروج از مکه بحجاب ابوبکر و توقف در عارثورد
 سه روز اسلام بریده بن خصیب که از طرف قریش طلب حضرت آمده بود و آل مدینه در این سال همنوده حنفی بود ملاقات
 حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و زبیر را در بین راه که از بخارون شام معاودت میکردند اسلام عبدالله بن سلام از بزرگان بود
 شیوع مرض تب لوز در مدینه مبتلا شد جمعی از صحابه بدان موآخات و مواسات بین مهاجر و انصار معاهده باجا
 بپوش و فانی عاصم بن وائل و فانی ولید بن مغیره از مشرکین مکه مامور تب بدین حارثه با و بن عباس از مکه بدین
 اسلام سلمان فارسی بقولی ابتدای اذان و امامه امیر قبا هرقل قیصر روم بعد از شکستهای در پی از خسرین و برزنجیستان
 زیاد از قسطنطنیه با ناطول آمده طرازی بن را مقنوع ساخت و جنگ سخت در البوس نمود و ملوک غسانه در شام اطاعت
 هرقل میکردند سلطنت بکر با ابوبکر بین در لوز بکفتمی از فرانسه امیر قبا حاکم اسکندریه در اینسال مقنوع بود

مکه و مدینه

سدهجری

۶۶۳ مسیحی

آسیا از وخت علی بن ابیطالب علیه السلام با فاطمه و در ماصفر المظفر قتال مسلمین سرداری عبدالله بن جحش و فتح خسرین در
 حضرت رسول قبل از فرض خمس تحویل قبله از بیت المقدس که معظمه در سه شنبه نهم شعبان ماه هجدهم از هجرت بود
 روزه رمضان در شعبان و جوی فطرته قبل از دخول بقره شوال نماز عید فطر گذاشن حضرت رسول و امر با اذان غزوه قبله
 کبری در روز جمع هفدهم بانوزدهم شهر رمضان غلبه مسلمین بر مشرکین قتل ابوجهل و عبیده بن یعفر و شیبه بن ربيعة
 و ولید بن عبیده از مشرکین و شهادت ابوعبیده عامر صحابی حارثه بن سراقه انصار و هلاک ابولهب بعد از شکست
 مشرکین از غزوه بدیکری غزوه بنی قریظ در شوال با طایفه خزرج و شکست ایشان و تفرق مسلمین غنایم ایشان را
 و فرض خمس اول نماز عید اضحی قرانی غزوه الکدری در شوال که حامل لوان علی بن ابیطالب علیه السلام بود غزوه التویق
 که ابوسفیانک کرد قوت عثمان بن مظعون از صحابه بروایتی تولد حسن زین علی علیهما السلام در بیخه اینسال بقین حدود
 شرعی و دیات و جزای پیغمبر که انابنی السیف این سال رانسته الامر بالقتال و اتد فانی رقیه دختر حضرت رسول
 زوجه عثمان بن عفان فرض زکوة اموال و فانی بن صلت امیر پافشون هرقل ابوبکر بلکه اصفهان الخ و ابانک
 مفضی معاودت قسطنطنیه موسوان میلایونان راکلا از اسپانول خارج کرده خود مستقلا در آنجا سلطنت نمود

سدهجری

۶۶۴ مسیحی

اسیما اجتماع بنی ثعلبه و بنی مخاریبه بر مخالفه مسلمین خروج رسول الله ص بفسد نفع ایشان و فرار نمودن آن دو طایفه بقلل
 جبال که خضر تدبیر و مخالفه معاودت فرمودند در جادای الاولی از سنه غزوه حضرت رسول با بنی سلیم در بخران منفرد
 شدن مشرکین و مراجعت پیغمبر بمدینه نقل کعبه اشرف یهودی با پیغمبر تزویج عثمان بن عفان ام کلثوم بنت پیغمبر را
 غزوه الفرده بدر ای بدین حادثه و غلبه مسلمین بر مشرکین که بر یاسنا اوسنیفا بوده و اسلام فراوان چاد در جاد
 الاخری نقل ابی رافع بن ابی الحقیق هوی در خیبر بدست چهار نفر از خزیج تزویج رسول الله ص حفصه بنت عمر را در
 شعبا از واقعات این سنه غزوه احد است در هفتم شوال ابی سفیان با جماعه کثیر از قبایل عرب تمام نسوا خود فصد
 مدینه نموده عدل ایشان سه هزار نفر بوده حضرت رسول از مدینه خروج فرموده این ام مکوم را بجای خود گذاشته
 در احد که کوهیست در یک مدینه مقاله نمودند و شکست فاحشه مسلمین وارد آمد و بسیار از مؤمنین بدرجه
 شهادت فاش شدند از آن جمله حمزه عم رسول الله ص بدست حشیش عرب غلام جبرین مطعم شهید شد و مصعب بن عمیر و عبدالله
 شهادت سپیدند و مجروح شدن جهه حضرت رسول بسنک ابن شهاب مکسو شدن دندان آنحضرت بسنک عبیده
 ابی وقاص و ذکران انصار و حنظل بن ابی عامر غسل الملائکه نیز بشهادت رسیدند در ابتدا حامل لوی مسلمین مصعب بن عمیر
 و پس از شهادت و حامل لوی اعلی بن ابیطالب علیه السلام شد و حامل لوی مشرکین طلحه بن عثمان بود و شهدای مسلمین را نسوان
 مشرکین مثل نمودند و پس از سه روز غزوه احد غزوه حراء الاسد واقع شد حراء الاسد مکانیست در هفت فرسخی مدینه
 حضرت رسول مشرکین را غایت نموده تا حراء الاسد و یکفر از مشرکین که ابی عره بن عبدالله الحنفی است اناسی بد بو
 که رهائی یافته و مشاهده فرمودند و را بقتل آوردند بر لایق و لادن حسن بن علی علیه السلام و حامله شدن حضرت فاطمه
 بحسن بن علی پنجاه روز بعد از ولادت حسن بعضی وفات رفقه دختر حضرت رسول و زوجه عثمان بن عفان دارد
 این سال نوشته اند و همچنین فرض زکوة اموال و وفات امیه بن صلب این سنه را سنه التخصیص میخوانند

سده هجری

سده هجری

اسیما در ماه صفر غزوه الرجیع و قتل جمعی از صحابه بعد از حمله مامون بن عمار بن امیه بن ضمری از طرف رسول الله
 بکه بجهت قتل ابوسفیان و مکشوف شدن فضا و وین بل مقصود مراجعت کردن او بمدینه غزوه بمر معنوی و شهادت جمعی
 مسلمین در آن غزوه غزوه ذات الرقع و نزول صلوه خوف غزوه بدر الثانیه در شهر شعبا که غزوه التوبی هم نامیده شد
 تزویج حضرت رسول ام التملی را ماموریت بدین نامتبعلم کتب یهودی و وفات عبدالله بن عثمان بن عفان دختر زاده حضرت
 رسول تولد حسنین بن علی علیه السلام در شهر شعبا بقول غزوه بنی نضیر و جلاء ایشان بجای دیگر و وفات عبدالله مخزوم
 از صحابه این سنه را سنه الترقیه مینامند سرتیره ابی سلمه در فطن و وفات ابی واسطه خراخی که در غزوه احد باور سپید
 بود سرتیره عبدالله بن انیس و وفات زینب بنت خزیمه زوجه حضرت رسول و وفات فاطمه بنت اسد بن هاشم مادر علی علیه السلام

سده هجری

سده هجری

اسیما تزویج کردن حضرت رسول از زینب بنت جحش عمه زاده خود را که سابقا بنو جبره زینب بوده و قصه او معروف است
 غزوه دومه الجندل در ربیع الاول این سنه معاهده عینیه بن حصن القزازی بنس طایفه عطفان با رسول الله ص غزوه
 خندق که آنرا غزوه اخواب نیز گویند در شهر شوال و مباشرت حضرت خدی سلمان فارسی بود و حدیث سلمان منا اهل البیت
 و اول نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن آیه اذ یقول المنافقون الی اخره و این موقع عدل نفوس مشرکین ده هزار و مسلمین
 سه هزار مدت محاصره بکامه و منازعه علی بن ابیطالب علیه السلام با عمر بن عبد ربه و قتل عمر و بدست علی و نفاق انداختن بنی

مگوشی ما بین مشرکین و وزیدن باد سرد سخت و خوفناک و ساروسا مشرکین و فرار آنها بمن گه و بعد
 نبوی که بعد از این مابرس مشرکین خواهیم رفت نه آنها غزوه نبی در بظهور اول فصحا نماز عصر که با نماز عشاء شب خوانند
 شد و قتل ششصد نفر از یهودی و بنی قریظ در مدینه و انتخاب نمودن حضرت رسول در چنانچه پند عمر و بنی خنی
 و از اسرای بنی قریظ برای خود و فات سعد بن معاذ و این سنه را سنه الزلزله می نامند فلک رسول الله سلیمان فارسی
 از وقت ولای او بجهل و قیصر و سب صد بخله نزول آیه هم خوف قر نزول آیه حجاب و وقوع زلزله در مدینه
 نزول فرض حج تزویج حضرت رسول جوهرت پندت حارث بن ابی ضرار را امر پاپا ابداع مذهب جدید علیویان که
 آنها بتخص عیسی که پسر خداست و بهیات بشریت در آمده اکفنا کنند بر خلاف عقیده ساهستان که با فایم کتبه
 و این مردم معتقد بودند و کشتن نیرک سرشوس معتقد یا بنظر بقه شد تصور مردم پیروی کرد و این طریق
 در انظار سایر ملل عیسوی کفر است

سده هجری ۶۲۷

سده هجری

اسبا غزوه نبی حجاب در جادی اولی مراجعت کردن مسلمانان بپل مفضو غزوه مدینه در این سال غزوه نبی
 المصطلق در ماه شعبان کشته شدن مشرکین و فتح مسلمانان و تزویج نمودن حضرت رسول جوهرت پندت حارث بن ابی
 ضرار را که رئیس این طایفه است و نزاع بین مهاجر و انصار در مراجعت از این غزوه و بواسطه جهجاه نام از موالی عمر
 باسانان الحنفی انصار در شن کفن عبدالله بن ابی بن سلول در این غزوه و غزوات انصاریت مهاجران فقال
 حضرت رسول از آن منزل بجهنم دفع غایله از او و امانان من حدیثا لک و قهنتی است که بر عایشه زده شد که
 مردقت این واقعه در مراجعت از غزوه نبی المصطلق است از واقعات این سنه غزوه حدیثیه است و مصالحه با قریش
 و مراجعت حضرت رسول بمدینه و اسلام جمع کثیری از مشرکین و بیعت تحت شجره معمره معروف در همین سفر بود از
 واقعات این سنه نزول سوره مبارکه فتح است از واقعات این سنه سرتیه عکاشه بن محسن نمر است سرتیه محمد بن مسلمه
 بنی ثعلبه سرتیه ابو عبیده جراح است بجای نبی الله سرتیه زید بن حارثه است مجوم سرتیه زید بن حارثه حجاب
 صمی در جادی الاخری سرتیه زید بن حارثه نام الفری سرتیه عبدالرحمن بن عوف بدو فقه الجندل سرتیه علی بن ابیطالب
 در شعبان بقتل سرتیه زید بن حارثه است بام الفرفره در شهر رمضان سرتیه کورین جابر الفهری در شوال بروز
 خشکگی و محطی در مدینه با استنصار فن حضرت رسول در مارمضا مکانات حضرت رسول بملاوک فرستادن
 آن را بلغمه یا یسوی مقهور و الی سر و دجه الکلبه را بسو فیصر روم و شجاع بن وهب الاسد را بجای حارث بن ابی
 عثمان و عبدالله بن حذافه را بسو خرد و پرویز و عمر بن امیه بن ضمری را بجای نجاشی پادشاه حبشه و عثمان
 الحنفی را بسوی هند و سواد در بحرین افریقا بول کردن مقوقس پادشاه مصر کتاب حضرت رسول تراویل
 کردن او بقبول دین اسلام و معتم شدن برای هدیه فرستادن خدمت حضرت رسول برای حاجت فرستادن سرتیه زید بن حارثه
 بیعت کردن فیصر روم هرقل باط او ظاهر بواسطه اجماع مردم منکر شدن

سده هجری ۶۲۸

سده هجری

اسبا فتح قلاع خیبر بدین ترتیب اول نام دوم مؤمن صفتی در خرمی بز انطب که شومرا و کانه صاحبین قلعه بود
 اسیر شد و بشرف نماز و جبه حضرت رسول رسیدیم صعب پس از آن و طبع و سال و از این قلعه مرجع بیرون آمد دیدت
 حضرت علی بن ابیطالب که کشته شد بعضی میگویند که فائق مرجع محمد بن مسلمه بود و این ضعیف است گویند در ماه صفر

بعقبه ابن اشتر و غیر

فتح خبیر شد است همدار دادن زینب خنجر حث زوجه سلام بن مشکم نیز که هتوتی بر پانی مسموم برای حضرت رسول ^ص خوا
 دادن آنحضرت مسمومون بره بریان را غزوه وادی الفری و محاصره کردن رسول الله ^ص وادی الفری را و فتح نمودن بعلبه
 قصه لیلۃ القدرین که در مراجعت از خبیر بن راه شبی حضرت رسول ^ص نشسته زنان مهاجر و انصاعطا با دادند بجواب فرست
 تا بعد از طلوع آفتاب فقه فداک و مصاحف کرمین پوشع بن یون با محبصین مسعودی با دان نصف فداک بر رسول الله ^ص
 تزییح کردن حضرت رسول ^ص از زینب خنجر خود را با ابی العاص بن الربیع در محرم امسال مراجعت حاجب بن ابی بلتعز از پیش
 مقومین بادشاه مصر با هدا یا که از جمله مار به قطبه و شیرین خواهر او بود و فاطمه لیل نام و حار منهور به بعقبه که ماز
 بمراجعت حضرت رسول ^ص مشرف شد ساختن منبر برای وعظ و خطبه سرتی بشیر بن سعد حجاب که ناحیه السبب بمن مقابله
 با جماعتی که میخواستند بمدینه نازند و مخدول نمودن آنها فرج حضرت رسول ^ص از مدینه اول زحجه بعقبه مکه و قصد
 عمره فرمودن که هفتاد شتر برای قربانی همراه داشتند برای مکان حضرت در مکه دارند و معین شد و تزییح نمودن
 میمونه بنت عرث را در مکه و مراجعت بمدینه پس از حج غزوه ابن ابی العوجا بانی سلیم که خود و اصحابش همه شهید شدند
 و بقولی خود او نجات یافت انعقاد مصالحه فبا بین شری و به پسر حسرو پر و نیز هرول فیصل دوم در حینی که عدا اگر قصد
 تیریز بودند رده نمودن شری و به بهر فل صلیبه را که حضرت عیسی را بران صلیب بار زده بودند امر و پیا ^{فرا}
 بعد از فوت کلونز دیم دیگر برادر خود را محرم کرده خود مستقلا سلطنت نمود

۶۲۹ مسیحی

سده هجری

آسیا و فان زینب خنجر حضرت رسول ^ص سرتی غالب بن عبدالله اللثمی حجاب کلب اللثم قتل و غارت کردن بر
 شجاع بن وهب نسوی بنی عامر و غنیمت گرفتن مروانشی بسبب از آنها سرتی کعب بن عمیر انفقاری بدانها لاطراح که از
 نواحی شام است کشته شدن همراهان کعب بن جحاف وی اسلام خالد بن ولید و عمرو بن عاص و عثمان بن طلحه
 رفتن عمرو بن عاص با عساکر اسلام بدان سلاسل و امداد ابی عبیده جراح او را در این غزاه فرستادن حضرت رسول ^ص
 عمرو بن عاص را بعمان نسوی جعفر و عباده پسران جلندی که هر دو ایمان آوردند و گرفتن جزیه از مجوس آنجا
 مخدول کردن ابی قناده و بعضی از عساکر اسلام جماعتی را که برای حرب با حضرت رسول ^ص بجایه که مدینه است در
 حجاز جمع شده بودند محاربه عساکر اسلام در فریه مونه بالشکر هر فل که علاوه بر صد هزار نفر و بی صد هزار
 نفر دیگر از طوایف مشعریه در تحت فرمان هر قل بودند سردارهای لشکر اسلام که در این جنگ کشته شدند
 زید بن حارثه و جعفر بن ابیطالب و عبدالله بن رواحه بودند و در این جنگ خالد بن ولید بسپه ساله ملقب ^{بکرت}
 و مراجعت کردن بقیه السیف لشکر اسلام بی نبل مرام فتح کردن حضرت رسول ^ص مکه را در حالیکه ده هزار
 عساکر اسلام در رکاب حضرت بودند اسلام آوردن ابی سفیان و عکرمه بن ابی جهل و وود حضرت رسول ^ص
 باشکوه هر چه تمامتر عکبه در حالیکه تمامه سپاهی بر سر داشتند و خضوع آنحضرت بدرگاه خداوند در پیش ^{این}
 موهبت یاده بود و چون آزاد نمودند اهل مکه را موسو بطفما شدند داخل شدن حضرت بکعبه بعد از
 طواف و شکسته شدن بنها بنکه در کعبه بودند با اشاره عصا حضرت که عده بنها سپید بودند نشستن حضرت
 در صفا و بیعت کردن زن و مرد با آنحضرت غزای خالد بن ولید بانی جدیمه کشتن بسبب از آنها و نهب اموال
 آنها چون ابن فضله مرتضی حضرت رسول ^ص نبود علی بن ابیطالب علیه السلام را فرستادند تا مقبولین آنها را در پی
 دهند و اموال آنها را رده نمایند و خالد از کرده خود عذر خواست تزییح حضرت رسول ^ص ملیکه دختر او

اللہی را کہ پدراود در فتح مکہ کشته شد بود و مفارقت حضرت رسول از او خراب کرد بن خالد بن الولید غزوی را کہ یکی از معابد نبی رستی بود در بطن نخل شکستن عمرو بن عامر سواع را کہ بتی بود در وہاب شکستن سعد بن زید الاشہلی منات را کہ نبی بود در مثل غزا کردن حضرت رسول با طایفہ ہوازن بچین کہ در این غزوہ دوازده ہزار نفر در رکاب حضرت بودند حضرت فرمودند کہ ما مغلوب نمیشویم از عدہ قلیل و اشارہ بآن آیت شریفہ ہوم چنین لایعجزکم کہ تکم فلن نغز عنکم شیئا و مغلوب شدن طایفہ ہوازن ببلد آں و فرار کردن مالک بن عوف کہ فاید جیش ہوازن بود بطایف محاصوہ کردن حضرت رسول طایف و مفارقتہ شدید با محصورین اسلام آوردن مالک بن عوف انصری کہ از بنی نضیر معاویہ بن نضر بود تزییح کردن حضرت رسول کلابہ دختر سخا بن سفیان را کہ اسمش فاطمہ بود و بعد ہا مفارقت نمودند از او و تولد ابراہیم بن حضرت رسول کہ در ماہ ذیحجہ از ماریہ قبطیہ مولد شد سترہ بنی العنبر بیداری عنیتہ بن حصن الفزازی و گرفتن غنایم و اسیر بسبب از آنہا سفر ہوا و ان چہ سبب عالم چینی در داخلہ ہندوستان کہ در ظرف شانزده سال در این ملک حبس مینمود و نقل کردن کتب دینی و اشیا مفلسی کہ مغلوبہ بود ای بسوی ہند و از ہند و سندان بچین

بجنگ از ہوا

اروپا ایجاد مدارین در انگلیس بقلید فرانسر

سده سی و سوم

سده ہجری

آسیا اسلام کعب بن زہیر کہ از اشراف و فصحاء عرب بود اسلام بچیزین ہجرت کرد کعب بن حضرت رسول بقوک بجزم مقالہ باہر قل و لشکر روم و چون اثری از عساکر روم ظاهر نشد معاودت بمیدینہ فرمودند آمدن بوخلہ روید صاحب البکر در بتوک خدمت حضرت رسول و مصالحہ کردن با آنحضرت بانکہ سالی سصد دینار جز یہ دہد آمدن اہل اذرح در بتوک خدمت حضرت رسول و مصالحہ کردن با آنحضرت بانکہ ہر سالہ در ماہ رجب صد دینار جز یہ دہند آمدن اہل جرہا و منعمام خدمت حضرت رسول و مصالحہ کردن با آنحضرت بانکہ ہر سال ربع ثمانین دینار و لایبہ جز یہ دہند فرستادن حضرت رسول خالد بن الولید را از بتوک نزد اکبدر بن عبدالمک صاب دوفہ الجندل کہ نصرانی بود و مقہور کردن خالد اکبدر را بمصالحہ و جز یہ فرستادن حضرت رسول مالک بنی و ختم را بخراب کردن و سوزانیدن مسجد ضرار کہ منافقین در آن بر ضد آنحضرت جمع شدہ معاہدہ مینمود آمدن عربہ بن مسعود ثقفی خدمت حضرت رسول و اسلام آوردن و ماموس شدن بانکہ قوم خود را با اسلام دعوت کند و انکار قوم او و شہید شدن او در این ماموس آمدن جمع از اشراف ثقفی بخدمت حضرت رسول و اختیار کردن اسلام و مراجعت بلاد خود بہمراہی مغیرہ بن شعبہ ابی سفیان بن حرب بانہا برای خراب کردن طایفہ شکستن آن کہ بتی بود و مبادرت نمودن مغیرہ در این عمل فرستادن حضرت رسول علی بن ابیطالب را بغزائ طایفہ طی و خراب کردن بنا آنہا را و اسیر کردن و غارت نمودن آنہا و اسیر شدن دختر حاتم کہ حضرت رسول او را رها نمودند و فرار عدی بن حاتم بشام و بازگشتن از شام بخدمت حضرت رسول بدلائل خواہش و داخل شدن در دین اسلام آمدن جمع اشراف عرب بخدمت حضرت رسول و قبول کردن اسلام بمناہتہ فرستادن کہ امام عرب بودند و در فتح مکہ قبول اسلام نموده آمدن اشراف بنی اسد و اشراف بنی اشراف بنی تمیم و قبول کردن اسلام و رسیدن نامہ ہا مملوک بچہر حضرت رسول در اقرار آنہا با اسلام فرستادن ذر عمر و بن ملک بن مرثدہ الرہابی خدمت حضرت رسول و تصدیق بر اسلام آمدن فرستادن کان بہاء و بنی الکلاء و بنی فزارة

و بنی فزارة

و بنی ثعلبه بنی منقر و بنی سعد بن بکر خدمت حضرت رسول و اظهار قبول اسلام این طوایف صحیح ابو بکر مدینه را ساختن
حضرت رسول و اقبال با طرافد قاتل کثوم دختر حضرت رسول که زوجه عثمان باشد در ماه شعبان و جوی
صدقات مردن عبدالله بن ابی بن مسلول مرحله منافقین افریقا فون بجاشی پادشاه جسته در ما
رجب قاتل ابی عامر راهب در نزد بجاشی افریقا مراده دیگر پادشاه فرانک با یونانیها و مشرق زمین

سده سی

سده هجری

اسیا فرسنادن خالد بن الولید را بسو طایفه بنی الحریث بن کعب در بخران برای دعوت کردن آنها با اسلام و داخل
شدن آنها طایفه با اسلام فرسنادن نصاری بخران خدمت حضرت رسول و عاقبت السید را با چندین دیگر فغواش
مباهله کردن آنها از حضرت رسول و بعد انکار کردن مباهله بواسطه دیدن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
همراه حضرت رسول و عین مباهله و مضاحکه کردن حضرت با اینکه کجا دو نفر از حله که هر چه چهل درهم داشتند باشد
بدهند با بعضی قبایله دیگر آمدن فرسنادگان مسلمانان خدمت حضرت رسول و قبول اسلام کردن آمدن فرسنادگان
طایفه غبشان و عامر خدمت حضرت رسول و قبول اسلام کردن آمدن فرسنادگان طایفه از خدمت حضرت رسول
و قبول کردن اسلام آنها و قبول اسلام اهل مدینه جریش آمدن فرسنادگان طایفه مراد خدمت حضرت رسول و قبول
اسلام نمودن آمدن فرسواده فروزه بن العرو الجذامی که عامل روم بود بر اعراب متصله روم خدمت حضرت رسول و
اسلام فروزه را اظهار کردن و کشته شدن فروزه بدست و میان بواسطه قبول اسلام آمدن فرسنادگان طایفه زبید
با عمر بن معدیکر خدمت حضرت رسول و آمدن فرسنادگان طایفه عبدالقیس خدمت حضرت رسول و قبول
آنها و ورود فرسنادگان بنی حنیفه خدمت حضرت رسول و بودن مسیله کذاب آنها که پس از دعوت پیامبر ادعای نبوت
کرد و دعوی نمود که در رسالت حضرت رسول و شرکت آمدن فرسنادگان طایفه بنی کنده خدمت حضرت رسول
که اشعث بن قیس کند از آنها بود آمدن فرسنادگان بنی محارب خدمت حضرت رسول و آمدن فرسنادگان هذیل
که از طایفه مدح بودند خدمت حضرت رسول و آمدن فرسنادگان طایفه عبس خدمت حضرت رسول و آمدن فرسنادگان
طایفه صد در حجه الوداع خدمت حضرت رسول و آمدن فرسنادگان خولان خدمت حضرت رسول و اسلام آوردن
آمدن فرسنادگان بنی عامر بن صعصعه خدمت حضرت رسول و آمدن فرسنادگان طایفه طی خدمت حضرت رسول
و اسلام آوردن بزید ایشان که زبید الحجل نام داشت حضرت او را زبید الحجر نامیدند نام نوشتن مسیله کذاب
از پیامبر حضرت رسول و ادعای شرکت در نبوت با آنحضرت فرسنادن حضرت رسول و علی بن ابی طالب را
ببین با نامه اسلام آوردن طایفه هذیل و منافق نمودن باقی اهل بنی هذیل را در اسلام فرسنادن حضرت
رسول و امرای خود را با طراف برای جمع صدقات حجه الوداع که در بسبب و نجوم بقعه حضرت رسول از مدینه
غریب مکه فرمودند و در عبدالله الجلی خدمت حضرت رسول و اسلام آوردن و مامور شدن بخراج بنی الخلیفه
و هدم بنی که از سنک سفید بود و طایفه خشم و بجهله وارد او را پیش سپیدند اسلام آوردن باذان حاکم بنی که
از جانب سلاطین عجم در آنجا حکومت داشت افریقا محاربه دیگر با طایفه سلاو (صفالیه) که راه زنی و

اسلام تابع

سده سی

سده هجری

اسیا فرسنادن حضرت رسول و جمع از مسلمین را بشام با امارت اسامه بن زید که مامور لشکر مکه است

بلقاء

بلغاء و داروم از ارض فلسطين گشتم برهن شدن حضرت رسول در آخر صفر اين سال و وفات آنحضرت در
 دوازدهم ربيع الاول با در دو شبته بسبب هفتم اين ماه بمرض ذات الجنب حديت ثقفه و سبب سلبن با ابى بكر
 بخبر و تكفين حضرت رسول بخبر حضرت رسول و غسل دادن على بن ابي طالب عليه السلام جسد آنحضرت را
 حضرت بر و ابى اصح ششت سال بوده بر فرارى سامه جليش او بماورتي كه از حضرت رسول داشتند
 ابوبكر و ناراج نمون قبائل مضاعه كه مرند شده بودند در حد و دشام دعوت نبوت اسو عتسو كه اسه
 كعب بن عوف بود و لغيش ذوالحجار بواسطه مداومت در خرفتن بسوى بخران و بعد از آن بصنعاء
 شهرين بازان عامل رسول الله را و فوى شدن و غلبه بر مفارزه حضرت موث تا طائف بمرين تا بحرين و احسا و
 عمال حضرت رسول با او و مقبول شدن او بگر در قبل از وفات آنحضرت و مرده قتل او اول بشارت بسنه كه
 وفات حضرت رسول بمسلمان رسيد رحلت حضرت فاطمه سلام الله عليها در ستم رفسا بسربسب رسالكد
 نبوت طلحي بن خويلد لاسك و آمدن بغارت مدینه و مقاله لشكر ابي بكر با منابعين او و غالب شدن بر آنها
 فحى بود كه بعد از وفات حضرت رسول مسلمان نمودند فرار طلحي و زوجه او بشام اين طلحي بعد از فونابو
 انكه قبيله او قبول اسلام كردند خود بنز مسلم شد جلوس بزجر و تحت سلطنت عجم مرند شدن بنى عامر د هوا
 و مخدول شدن آنها بدست عساکر اسلام خروج ام زمل بندهام فرزند ابى بكر فتن كار او و كشته شدن او و
 بدست مسلمان بسراى خالد بن الوليد راجعت عرب بن عاصم بن عثمان مدينه و خبر دادن از ارتداد بنى عامر و
 دعوت نبوت كردن سجاح دختر حوث بن عطفان اليمية و بالا گرفتن كار او و عزم پيامه كردن و آمدن مسيل
 او و وقوع موافقت و موافقت و مصالحت فيما بين آن دو كويند سجاح بعدها اسلام قبول كرد و در بصره
 كشته شدن مالك بن نويرة و گرفتن خالد بن الوليد ام بتم زوجه مالك و پسند كردن عمر بن قفايع را
 دانستن ابى بكر على خالد را مقاله با اهل پيامه بفرمان ابى بكر و كشته شدن مسيله كذاب ارتداد اهل بحرين
 شدن آنها بدست عساکر مسلمان ارتداد اهل عمان و مهره و مخدول شدن بدست مسلمان بعبقه بعضى
 بين و بحرين و سوق عسكرا بشام در سنه دوازده بوده ارتداد اهل يمن تا بنا ارتداد اهل حضرموت و كنده
 معاذ بن جبل از يمن قضاوت عمر بن الخطاب بامر ابي بكر كه تا آخر خلافت اين خليفه عمر منقلد اين شغل باشد
 بزجر دى كه از سال جلوس بزجر ستم ميا شد اير پانقسيم نمودن ديگر پادشاهانك ملك خود را بدو سپرد

سده هجری

سده هجری

اسيا فرستادن ابى بكر خالد بن الوليد بخراب باده هزار مرد مصالحه اهل جزير با خالد بن نه هزار درهم اينه
 در اسلام تا خن خالدنا جفر مقاله با سپاه عجم قتل هر مرد را عجم بدست خالد و هر يک آنها املا خالد ناموض
 بصره فتح ابله فرستادن اجار فوج با غنايم نزد ابى بكر اين و فعه بيات السلاسل موسواسه چونكه فوش عجم
 بشه بودند تا فرار نكند مقاله خالد بن الوليد با عجم تا بناد ركنار شط مغلوب شدن عجم كشته شدن سرد
 بدین تفصيل فاربن قرياشيد بدست معقل بن الاعش انوشجان بدست عامر قباد بدست عدى بن حاتم و عدت مقويه
 جنگ بمى هزار رسيد غير از غرق شدن بشط واسپر و غنايم فراوان مسلمان را شد از اين اسرا ابو الحسن بصرا
 نصرانه بوده جزيره دادن اهل فلاحين اين مقاله بوقعه النتي موسوم است فرستادن از شهر سپاهى بسراى انا
 و طر حازمه و انا اكا اساد كنه انفاه كنه بحره و كنه مقاله شديد خالد بن الوليد فرار عجم فرادا

و مردن او ببطش و اسیر و غنایم بسپا مسلمین را شد امان دادن خالد اهل فلاحین را این مقاله بوقعه الوبحر موسوم است
 اجتماع نصاری و عرب و لیس کفار فرات ملحق شدن سرانجم جابان بانها اطلاع خالد بن الولید و مقاله شد بد خالد بانها
 انهم نام نصاری و عجم که عده مقبولین آنها بهمناد هزار رسیدن فن خالد از لیس به امغشیا خراب کردن امغشیا ناراج ^{مسلمین}
 اموال و غنایم فراوان را و فرستادن خبر صحیح با غنایم و اسیر نزد ابی بکر و تعریف با بکر از خالد این فتح بوقعه اللیس موسوم
 رفتن خالد بن الولید از امغشیا بجهت کشتن خالد پس از ادیه مرزبان چهره را با اصحابش براد فلی کفار فرات فراد مرزبان
 بشندن قتل پیش و قاتل در شهر محاصره خالد فصوصو چهره را و مقاله با سکنه اطراف چهره مصاحبه اهل فصوصو با خالد
 بدو بیست و نود هزار درهم با هدایای و فخره فتح چهره در ماه ربیع الاول بوده فرستادن خبر فتح و هدایا نزد ابی بکر محسوب
 داشتن ابی بکر هدایا را بعوض جزیره و امر نمودن با خد باقی جزیره مصاحبه دهان فرات با خالد بن الولید بعد از فتح
 هزار هزار درهم فرستادن امره ثغور را بشریعه هکاد جمله فرستادن خالد نامتبعیم بقبول اسلام با دادن جزیره رسیدن
 بجم و اختلاف هالی بعد از موت او در شهر و نعتش عجم از آل کسری کوی برای سلطنت محاصره خالد بن الولید شهر انبار را
 و مقاله او با سپاهش و صاحب طاق کسری مصاحبه شریزاد با خالد بخواهنش اینک شریزاد نهایی مناعی عامن خود
 گذاردن خالد زیرقان بن بدر را در انبار جای خود رفتن خالد بن الولید بعین التکر که مهران بن بهلان ^{چو} با کسری از
 سپاه عجم و جمعی از اعراب غزو نعلیه آباد بگرداری عقرب بن ابی عقرب را بخا بودند مقاله خالد اول با اعراب انبار ^{سپاه}
 عرب اسیر کردن عقرب بن ابی عقرب و فرار مهران محاصره کردن خالد و فتح آنخصا اسیر کردن اهل حصا و کشتن عقرب
 و اخذ غنایم آنها فرستادن خبر فتح را با خمس غنایم نزد ابی بکر کشته شدن عمر بن وثاب السهمی و قاتل بشیر بن سعد
 الانصار در آنجا است اما عیاض بن غنم از خالد بن الولید در مقاله با اهل دومة الجندل رفتن خالد با مداد او و مقاله
 خالد کشتن اکید بن عبدالملک و جودتی بن بقره بنس و دومة الجندل را و انهم نام مقالین بمصافحه آنخصا
 بغلبه قتل مقالین اسیر نمودن اهل حصا بر دین غنایم بشما و امانت خالد را آنخصا فرستادن عجم زرمهر ^{وزیر}
 سرار را بجا ب شهر انبار و رسیدن آنها بحصید و خافض و اطلاع خالد از آمدن آنها و فرستادن فتقاع بن عمرو
 را بحصید و ابی لیلی فدکی را بخافض مقاله فتقاع با سپاه عجم کشته شدن زرمهر بدست او و روزی بدست عصم بن
 عبدالله انهم نام بخافض بر دین مسلمین غنایم حصید را رفتن ابولیلی بخافض انهم نام مهبودان بزرگ خافض
 رفتن بمضج بسوطایفه هذیل بن عمران خبر شدن خالد از اجتماع هذیل در طلب خون عقرب بن ابی عقرب مواعده خالد با
 فتقاع و ابی لیلی برای بشخون و ناراج هذیل غارتها از سحابت و قتل رسیدن بسیار از آنها در مضج برون
 رسیدن بن بجر النعلبی از ثقیف بصافه بطلب خون عقرب بن ابی عقرب مواعده او با هذیل اطلاع از این بفضله مواعده
 خالد و ابی لیلی بغارتها و ناخن آنها بر بعه و کشتن ربیع بن اخذ مسلمین اسرا و غنایم بسیار از آنها و رفتن خالد نزد
 مقاله شد بد با اهل زبیل کشته شدن بسیار از آنها و بدست آمدن غنایم بی شمار فرستادن خالد نزد ابی بکر بخا
 فتوح را با غنایم و اسیر کردن عذره بن ابی طالب استلرد خزر ربیع را و تولد عمر بن علامه و رقبة از وی اجتماع اهل فلاحین
 و استعانت آنها از روم و عجم و اعراب غزو نعلیه آباد بمقاله خالد بن الولید در کتف فرات مقاله خالد بانها
 و انهم نام آنها کوسید عده مقبولین ان جماعت صید هزار رسید رجوع مسلمین بجهت در بیست و پنجم و بعهده بعد از
 فتح فراض رفتن خالد بن الولید پنهانی بکبر برای حج با اطلاع سپاه و اطلاع ابی بکر بعد از رجوع او و خشم نمودن
 ابی بکر و او این بود سبب انصراف خالد از عراق بشام با مر ابی بکر غارت نمودن خالد سو فی بغداد را بر جمع طایفه

فضاه

فضاعه بکر غارت نمودن خالد مسکن و فطربل و نعل عقر نوف و باد و بانز و بیج عمر عانکه بنیت نهد را و فانی ابی العاص
ابن بیج در ذیحجه این سنه تزیج علی بن ابیطالب علیه السلام خنزه العاص را که زینب دختر رسول الله مادر وی بود بیج بکر
در این سنه استخلاف عثمان در مدینه و فانی مرثدا القنوی

سده هجری

سده سی و چهارم

اسپا مقابله و مقاله عساکر اسلام بار و میان بیروک از صفرا آخر بیعین این سنه استملا آنها از ابی بکر رفتن
خالد بن الولید از عراق بشام با نصف لشکر عراق که نه هزار باشهرار نفر بوده اند بامر ابی بکر و امیر کردن شنی حارثه را
بجای خالد در عراق و وصول خالد بن ازیل بن عراقی و شام و مصالحه نمودن و جزیه دادن اهل بعضی منازل و مقاله نمودن
و غنایم و اسرا گرفتن از بعضی شهر بصره و مقاله کردن با اهل بصره و ظرف یافتن و مصالحه اهل بصری فرستادن خالد جنس
غنایم را با اسرا نزد ابی بکر ملحق شدن خالد بن الولید در بیروک بمسلمان کوبند عده لشکر اسلام بعد از وصول خالد بجهل
یا جهل و ده هزار سپید مقاله کردن مسلمان بار و میان در جادی الاخره رسیدن بر بجهن مقاله فتن این مدینه و جزیه
دادن بخالد از فون ابی بکر و امارت ابی عبیده جراح به پنهانی بدون اطلاع لشکر اسلام آمدن جرحه سر راه روم قبل از
مقاله بن صقین و گفتگو کردن با خالد و اسلام قبول کردن و ملحق شدن بشکر اسلام و قتال شدید و همراهی خالد در
و شهادت او در عصر آن روز و حمله نمودن رومیان بکدغه بشکر اسلام و همن مسلمان اولاً و غلبه آنها تا بنایه بیان خالد
و عکرم بن ابی جهل اهرام و کشته شدن بسپاه از رومیان کوبند غیر از آنچه در معرکه تقبل رسیده و از ده هزار نفر
که در خند و معسکه رومیان هلاک شدند اینهم عده منقولین مسلمان زباده از سه هزار نشاند از منقولین آن روز عکرمه
ابن ابی جهل و چند نفر دیگر از اصحاب رسول الله بود رفتن مشون حارثه مدینه بجهت بر رسیدن اخبار ابی بکر و اختلاف
عم در نصب سلطنت از روی خفت و کشته شدن شایور بن شهرزبان که مشنی فارغ از مقاله بود و رود مشنی مدینه و
ملاقات ابی بکر در مرض موت و وصیت کردن ابی بکر بعد از امر مشنی و رجوع دادن سپاه عراقی از شام کوبند و فوج حارثه
قبل از بیروک بوده در بیست و هشتم از جادی اولی ملاقات کردن خالد با ابی عبیده و بیزید بن ابی سفیان و رفتن
آنها بامداد عمر بن العاص در فلسطین اجتماع رومیان در جنادین بر داری نذار و برادر هرقل و قیظار آمدن عمر
و خالد بجنادین و مقاله مسلمان بار و میان قتل نذار و قیظار شهادت جمعی از مسلمان اهرام رومیان و فتح مسلمان
و فانی بکر در شب بیست و دویم جادی الاخره ستش شصت و سه سال خلافتش دو سال و سه ماه استغال نمودن
ابی بکر خلافت را بعد و نوشتن عهدنامه اظهار نمودن بمسلمان جنین مرض بر صبر شدن و خطبه خواندن و اظهار خلافت
کردن کوبند اول حکم عمر عزل نمودن خالد بن ولید و نصب ابی عبیده جراح بود در سپاه عراق که بشا رفته بودند
محاصره ابی عبیده و خالد مشوق و فتح کردن بقله و مصالحه اهل دمشق فرستادن خبر بجانب عمر کنکاشن بیزید بن ابی
سفیان بگردن مشوق فتح بیشتر از شام مقاله شد با ابی عبیده در نخل و کشتن رئیس آنجا سفلا را و انهرام تسو
کوبند عده رومیان هشتاد هزار بود رفتن ابی عبیده با خالد پس از آن بمحصر فتح کردن بیزید بن ابی سفیان هجر
معاویه برادر خود مدینه بصد او و زفر و جیل و بیرون را که ولایات مواعل دمشق است فرستادن ابی عبیده
ثقیفی شرحیل بن حنیسه را به بسان و مقاله با بیسانیان و مصالحه آنها با شرحیل فرستادن ابی عبیده ثقیفی اعور را
بطریق و محاصره کردن اعور بطریق و مصالحه اهل آنجا با اعور فرستادن عمر بن حارثه را با جماعتی از مسلمان
بغزلی و امیر نمودن ابی عبیده ثقیفی را به راهی و بموجب وصیت ابی بکر رفتن آنها بمرافق و وارد شدن بجزیره فرستادن

رستم فرخزاد از قبیل پوران دختک نازه پادشاهی عجم با فخر بود جابان سردار را به ادلی فرات و نرسی را به کسکر
 برانگیختن تمام دهاقین فرات را بمقتضای مسلمین برینا آمدن ابو عبیده ثقفی و مثنی از جبهه ثلاثه فتنین بنماری و مقاتله شد
 و غلبه مسلمین و انهدام عجم و دهاقین اسپر شدن جابان رها نمودن ابو عبیده جابان را و این دفعه غازی است مقاتله کرد
 ابو عبیده ثقفی و مثنی در سفاطه کسکر با عجم و دهاقین بسرداری نریه و غلبه مسلمین فرستادن رستم فرخزاد جالبوس
 بامداد نرس و درود جالبوس به با فشیانا آمدن ابو عبیده به با فشیانا و منهدم کردن مسلمین جالبوس و همراهش را
 و درود جالبوس منهدم نماید رستم فرخزاد و فرستادن رستم هبن جازویر را با سپاه فراوان و فیلهای جنگی و درفش کاویان
 بمقاتله مسلمین و نزول هبن بر سر جسر آمدن ابو عبیده ثقفی و مسلمین بسوی آنها و مقاتله فتنین و شکست لشکر اسلام
 شهادت ابو عبیده و برادر او حکم بن سعید و هفتاد نفر دیگر از مسلمین مجروح شدن مثنی بن حارثه هلاک چهار هزار نفر
 از مسلمین بقتل و غرق گشته شدن شش هزار نفر از عجم و مخالفین با رستم فرخزاد رجوع بعضی جازویر بمذابن این دفعه قتی
 التاطفا سیع حیرت مثنی حارثه جابان و مردان شاه را و بقتل رساندن آنها نزدیک لیس فرات شبنم عمر از
 مسلمین و شهادت ابو عبیده و جمعی دیگر فرستادن عمر بن عبد الله بجلی را با طایفه بجبله و عصمه بن عبد الله الضبی را
 با جماعتی بامداد مثنی اجتماع سپاه عظیم نزد مثنی اطلاع رستم فرخزاد و فرزان این فتره و فرستادن آنها مهرا
 را بجبهه ثلاثه فتنین در بویب کنار فرات مقاتله شدید و غلبه مسلمین و بقتل رسیدن صد هزار نفر عجم و عقب کردن
 مسلمین آنها را ناطاق کسری رفتن مثنی بسوی الحافض و سوق البغدادر روز مباحثه بخان عجم و عرب قضاعه و
 نعلب بقتل آوردن تمام اهل سوق و ناراج غنایم و اموال این دو بازار حج نمودن عمر در این سنه و امر نمودن جمیع عمال
 خود که هر که را اسبی و سلاحی است در مدینه حاضر شوند اگر عدینه نزد بک اند و بعراق روند نزد مثنی اگر عراق
 نزد بک اند در این سنه قضایا علی بن ابیطالب علیه السلام بوده و وفات ابی کبیر غلام حضرت رسول و وفات ارفتم بن ابی
 الارزم الهمزی با عمار بن قشون قهر با خالد

سعدی

سعدی هجری

اسپا اجتماع مردم از اطراف در مدینه بحکم عمر بیرون رفتن عمر از مدینه بر سر آب ضرار و لبحار و معسکر نمودن
 برای فرستادن لشکر بعراق و مقاتله با عجم مشورت عمر با اصحاب حضرت رسول در امارت شخصی کردن و فاسیل
 اختیار نمودن عمر سعد بن ابی وقاص را بصدیق بکران چون سعد عامل صدقات هوازن بود او را از آنجا خواستند
 و بعد از عاوره و بضایح او را بر سپاه اعزاز امر نمود رفتن سعد بعراق اطلاع مثنی از قدوم سعد و انتظار وی و وفات
 مثنی بواسطه جراحتی که در دفعه قمر الناطف باور سپیده قبل از ورود سعد بکربلا و ورود سعد بشرف اجتماع
 طایفه اسد و کنده و سپاه مثنی با معنی بزحار شرباد مثنی نزد سعد که عدل لشکر اسلام بی هزار رسیدن و بیج نمودن
 سلیم و جبهه مثنی بزحار شرباد رفتن سعد از شراف بعد پیان عذیب بغداد سینه تزلزل و بی همتا عشق و خند فحوالی
 فطره و دلپس منو قف شدن در آنجا دو ماه فرستادن سعد سر به با طرف عراق و هذب غار ان یکسکر و انبارها
 طعام و آذوقه لشکر اسلام نظم اهل اطراف در جلد و فرات بی وجود از نطا اول لشکر اسلام مشورت بی وجود ملک عجم
 با رستم فرخزاد برای دفع مسلمین اجتماع سپاه عجم با مرز جرد در سا با طابردار رستم و فرزان و جالبوس و مهرا
 ابن هرام الرازی فرستادن سعد چند نفر از اشراف مسلمین را نزد جرد با مرز رفتن ایشان نزد جرد و مکالمه
 رسول او و بی اعنای وی آنها و مراجعت ایشان بیرون آمدن رستم و هرزان و جالبوس از مذابن با صد و بیست

هزار لشکر و سی و سه هزار جنگی و روانه شدن بغداد سینه گراشت ستم از محاربه مسلمانان و بنای آمدن و صلح چون
 گویند آمدن او از سلطاط نافاد سینه چهار ماه بطول انجامید و در ستم بغداد سینه و ثلاثی فتنین مقاتله کردن با عجم
 روز دوشنبه ماه محرم مقاتله شد که سینه از طرفین بقتل رسیدند تا غروب آفتاب رجوع فتنین بمسکر خود
 این روز بیوم ارمات موسوم است مقاتله کردن فریقین روز سه شنبه و در قعقاع بن عمر قتی و هاشم بن عنبه با
 لشکر عراق که در شام بودند در این روز بمیدان جنگ مقاتله کردند آنها با عجم و بقتل آوردن قعقاع بن ذوالحاجب
 و فرزندان دوسر در عجم را و شکست عجم بقتل آنها این روز بیوم اغوات موسوم است عدد مقتولین مسلمانان دویست
 و مقتولین عجم بدو هزار رسید مقاتله کردن فریقین روز چهارشنبه که بیوم اعجاز موسوم است از اول طلوع
 آفتاب تا عصر اشناد مقاتله از عصر تا تمام شب که لیله الطیر موسوم شد و تا صبح از صبح تا ظهر مقاتله و محاربه
 بطول انجامید فرار لشکر عجم در ظهر آن روز بقتل رسید رشم فرزند سید هلال بن علقمه و عاقب کردن نه نفر
 ابن الحوی التیمی منزهین را و رسید وی بجایبوس و قتل جایبوس رسید غنایم و اموال بخت و عدد مسلمانان
 گویند عدد مقتولین مسلمانان زیاده از شش هزار شد اما مقتولین عجم از سی هزار فرزند بود فرستادن سعد
 خبیث را با خمس غنایم نزد عمر فرستادن عتب بن غزوان را بصره یعنی موضع بصره که از ثغور عجم بوده نزدیک عتب
 بجوالی حیرت صفر در بیع الا و این سینه صاحب فرات با چهار هزار نفر بمقاتله عتب آمد و نبود با عتب مکر با قصد
 مقاتله عتب با او و بقتل رسید تمام آن سپاه و اسپ نمودن صاحب فرات مقاتله عتب با اهل ابله و بقتل آوردن
 بسیار از آنها خالی نمودن اهل ابله شهر را از رعب عتب و داخل شدن مسلمانان ابله را و غنایم و اسپ فراروان بش
 آوردن در ابله بجای آنها عامل نمودن عتب مجاشع بن مسعود را بجای خود و مراجعت عتب مدینه نزد عمر حد زین
 عمر عبید شیر خود را با همراهانش بواسطه شرب خمر امر کردن عمر بقیام مردم در ماه رمضان بمسجد و وفات سعد بن عباده
 الانصار و وفات ابی مخنف پدر ابی بکر و وفات هند مادر معویه حج کردن عمر در این سینه

سده سی

آسیا بعضی گویند که بنای شهر کوفه در این سینه واقع شد یعنی سعد بن ابی وقاص و دلاله بن بقیله فتح مرو و شکست
 منول سردار هرقل بدست خالد و تصرف نشون اسلام تمام شامات را که بعضی آن تفصیل در ذیل باید بنیان بصره بدست
 مسلمانان در ساحل شط العرب بقصد قطع مرزده ایران باهند و سنان رفتن ابو عبیده جراح با خالد بن ولید از قتل
 بجانب حمص اطلاع هرقل ملک روم فرستادن او توذر و شنش را با سپاه کثیری بمقابله و مقاتله ابو عبیده و خالد ثلاثی فتنین
 در مرج روم رفتن توذر بدمشق و ماندن شنش در مرج مقابل ابو عبیده و رفتن خالد بن عاقبت توذر اطلاع بنزد
 این سه تن از آمدن توذر و ثلاثی خالد بن ولید و مقاتله با توذر و بقتل آوردن آن و انضمام رومیان معاودت بنزد بدمشق
 معاودت خالد نزد ابو عبیده و مقاتله ابو عبیده بعد از رفتن خالد با شنش و بقتل آوردن شنش انضمام رومیان رفتن
 هرقل بعد از اطلاع از حصر هرهار رفتن ابو عبیده به بعلبک و محاصره کردن آن اما از طلبیدن اهل بعلبک مصالحه نمودن
 محاصره ابو عبیده حمص را و مصالحه آنها با مسلمانان داخل شدن مسلمانان بحمص فرستادن خمس غنایم و خبیث فتح نزد عمر
 نمودن ابی عبیده عبادة بن صامت رفتن ابو عبیده بجاه و فتح نمودن حماه و معره و لاذقیه و عنوه و انظر طوس و سلیم
 بلاد شریب بحمص را فرستادن ابو عبیده خالد را بقتل شدن و ملاقات خالد با میناس که از اکابر روم بود پس از هرقل و با
 جماعت بسیار از رومیان و بقتل آوردن میناس و انضمام رومیان و محاصره خالد بقتل شدن را اظهار مصالحه اهل قیسین

وامناع خالد از مصالحه و خراب کردن ففسرین محاصره کردن ابو عبیده حلب و انطاکیه و قورس و حصن سلمان و نزل عز و با
 و فاصرین را و فتح کردن ابو عبیده و مصالحه اهل بلخ از آن ولایات و عامل گذاردن بکربلایه معاودت ابو عبیده بفلستین
 فرستادن ابو عبیده حبیب بن مسلم را بحبل الکلام مدینه بحریر و بحصن الحدیث و فتح کردن حبیب مصالحه اهل ان نواهی
 فرستادن ابو عبیده مہر بن مسروق العیسری بغراس و مقاتله کردن و فتح نمودن او فرستادن زید بن ابی سفیان
 معاویہ برادر خود را بامر عمر بقیسارتہ و مقاتله معاویہ با اهل آنجا و بقتل رسیدن هشتاد هزار نفر از دو میان و
 فتح آنجا بعلیه فتح عمر بن عاصر بپسان را مصالحه اهل اردن و عامل نمودن ابو الاعور دادار در آن اجتماع عسکر دوم
 در داری اربطون بجناد بن و گذاشتن سپاه عظیم بر مکه و اہلبیاء و نزول عمرو بن عاصر بجناد بن فرستادن علقمہ بن
 حکیم الفزاسی و مسروق بن فلان العکبری قتال اہلبیاء و ابو ایوب الماکلی را بقتال مکه مقاتله کردن خود عمر و با اربطون
 و انہزام اربطون بہ اہلبیاء فتح نمودن مسلم بن بعلبہ فرار نمودن اربطون از اہلبیاء بمصر فتح نمودن عمرو غزہ و بلسطیہ
 و نابلس و مدینہ لدا رفتن عمر بشام و گذاردن علی بن ابیطالب علیہ السلام را در مدینہ بجای خود امر نمودن عمر
 باخصا امراء شام در جابہ سرد عمر بجابہ و ملاقات امراء مصالحه اهل اہلبیاء و مکه با عمر رفتن عمر بہ بیت المقدس
 و مصالحه با اهل آنجا و خواہش اهل بیت المقدس بحضور عمر در مصالحه کسب آمدن عمر بشام فتح کردن عمر
 فلسطین را بدو نصف کتبکصف بعلقمہ بن حکیم داد و او را در مکه گذارد و نصف بکربلایہ بن محمد داد و او را در
 اہلبیاء فرستاد و خود معاودت عبد بنہ نمود فرار دادن عمر فاضل مرثومات عطا پا و نوشتن دیوان را برای مختلف نشانی
 و اینست اول دیوان گذاشتن در اسلام فارغ شدن سعد بن ابی وقاص از فادستہ نوشتن عمر بعد و امر کردن او را
 برین میدان و مقاتله با عم و گذاردن عمال و نسوان را بعینق فادستہ رفتن سعد بجانب میدان غزہ بہ دجلہ رسیدن
 مقدمہ سعد بدارای زہر بن الحوی الثمیمی بہ برین ثلاثی با بصرہ آمدن عمر انہزام عمر از برین بقتل رسیدن بصرہ
 و افتادن دو نفر آمدن بسطام دھقان برین مصالحه کردن و بسن جبر اخبار اجتماع عمر در بابل بہ زہر و دجلہ
 سعد برین رفتن زہر بابل و اجتماع نجیر خان و مہران زانی و مقاتله شدید زہر با آنها و کربخین آنها بعد این
 و کشته شدن فرخان و فیومان نزول زہر مہمانہ دیر و کوفی مقاتله دیگر زہر در آنجا بقتل رسیدن شہر پار
 سردار دیگر عم و دو سعد بکوفی رفتن زہر بہ بصرہ از میدان غزہ بہ آمدن شہزاد دھقان سا باطو فرستادن
 وی نزد سعد و مصالحه وی و بجانب سعد لاتی پوران دخت دختر کسری با مسلمین و فرار از آنجا بعد این شہزادہ جملہ
 کشتن ہاشم بن عیشہ شہزاد کسری را کہ فرطہ نام داشت و دو سعد بظاہر ہر شہزادہ بدین اعرابا ہوان کسری
 از دور و شجاعت آنها از آن بنا و ذکر آنها و عذہای رسول اللہ صرا و وفای آنها حج گذاردن عمر در این سنہ و وفات
 نوفل بن عتبہ بن عبد المطلب مروا پا برہنہ بعضی صنایع در ملک فزاک و ترقی کردن علوم بنا کردن کلیسای

سنہ دوم و الی پاریس

سنہ ہجری

سنہ ۳۷

اینست! محضر سعد بن ابی وقاص ہر شہر میدان غزہ بہ جملہ را ناد و ماہ و مقاتله مسلمین ہر روزہ و ننگ گرفتن کار
 بر آنها و فتح لشکر اسلام در ماہ صفر و داخل شدن سعد بقہر و غلبہ را عند این و فرار اهل بصرہ از معاہر محنتہ
 بکربلایہ عبور لشکر اسلام از دجلہ بامر سعد بجانب میدان شرفیہ کہ ابوان ملوک و عجم و طاق کسری آنجا بود کوفتند در این
 سنہ بہ کثر المدد و زاید الماء بودہ با وجود این بسعی عاصم بن عمر و تقدم وی لشکر اسلام از دجلہ عبور نمودند

و همین معنی سبب عبت خون عجم گردید. مقاتله عامه پس از عجم و انقزام آنها و فرار نیز در بد با عینال خود جلوان
 برین نزد آمد. منظر همین اموال که سبک و قیمتی بود دخول مسلمین بدان نزول سعد با یوان کسر و بیرون آوردن صلوة فتح
 در ایوان کونین اول صلوة جمعه که در عراق بجای آورده شد. در ماه صفر این سال در روز جمعه بود بغایت لشکر اسلام
 منظر همین مداین را با طرف و قبیل رساندن هر یک و گرفتن مسلمین غنایم و اموال آنها را که همراه داشتند کونین آنچه تا
 و اسباب و جواهر و اسلحه و خزاین ملوک عجم بپویه بنهر و آن فرستاده بودند مگر نصف از خزانه مدفون که در مداین بود
 تقسیم کردند سعد غنایم را بعد از وضع اثاث سلطنت خمس کونین لشکر اسلام شصت هزار نفر بود هاند و بهر یک
 دوازده هزار تومان رسید فرستادن سعد خیر فتح را با خمس نزد عمر اجتماع عجم بعد از فرار از مداین در جلوان متردین
 خانقین با مرید جرد و سرداری مهران رازی و غیره در خندق عظیم که با قطعات آهن شمشیر بخار اطراف
 خندق مسلح شده بود و اطلاع سعد از این نفره و نوشتن بعمر و امر کردن عمر لشکر اسلام را بسرداری هاشم بن عبد
 قعقاع بن عمر بن قائله و محاصره جلوان و امر عمر بر اینکه عدد لشکر نهاده از دوازده هزار باشد رفتن هاشم و قعقاع جلوان
 و محاصره لشکر اسلام آنجا را تا هشتاد روز و مقاتله های شدید با آنها تا عاقبت بواسطه هبوط یاق شدید و تاریکی هوا
 قعقاع با لشکر اسلام در خندق راه با فتنه مقاتله سختی واقع شده آنها منظر شدند مهران رازی و غیره و آن قبیل رسیده
 کونین عدد مقبولین عجم بعد از رسید اطلاع نزد جرد از ماجرای کذاشتن خسرت سورا بجای خود و رفتن او بر عاز جلوان
 رفتن قعقاع بن عمر جلوان و وصول وی بقصر شبرین و پیروان آمدن خسرت سوم و زینبی و هفان جلوان و مقاتله و غلبه
 لشکر اسلام و قبیل آوردن زینبی فرار خسرت سوم و فتح جلوان ^{طلب داخل شدن قعقاع جلوان آمدن انطاق از موصل تکرب}
 با جمعی از رومیان و اعراب غلبت ایاد و عمر و شهارجه اطلاع سعد و نوشتن بعمر و امر کردن سعد با فرستادن ^{عبد}
 معتم و ربیع بن الاقل را با دوازده هزار از لشکر اسلام بکربت محاصره کردن عبدالله تکربت لاجهل روز اتفاق کردن
 عبدالله با اعراب غلبت ایاد و عمر و قبول اسلام نمودن آنها بخمس ششصد و بیست و پنج نفر عبدالله تکربت ملحق شدن غلبت ایاد بشکر
 اسلام و قتل نمودن تمام رومیان و فتح آنجا غلبت فرستادن عبدالله ربیع بن الاقل را بموصل و بنیو با اعراب غلبت ایاد
 و محاصره نمودن آنجا و امان خواستن و مصالحه کردن و غنایم بدست آوردن لشکر اسلام و فرستادن خیر فتح را با خمس ^{عنا}
 نزد سعد و عمر اجتماع جمعی از عجم با اذین بن هرمان در ماسبدان و اطلاع سعد فرستادن ضرار بن الخطاب با جمعی ^{از لشکر}
 اسلام و نزول ضرار در دشت ماسبدان و مقاتله سخت ضرار و اسپر نمودن آذین و قبیل رساندن او و انقزام اهل آنجا
 بجای امان دادن و جمع نمودن آنها و ناخن ضرار و اسپر و آن فرستادن هرقل جمعی از اعراب بخیره را به هبت اطلاع ^{سعد}
 و فرستادن مالک بن عبید و حوث بن یزید عامر بن اصفیاء ایشان نازل شدن مالک و حوث هبت بن مالک
 با نصف لشکر بقر قیسبا و مصالحه آنها بجزیه دادن و عو کردن سیاهت بواسطه مصالحه اهل فریسیان نزد ^{بن}
 عمر صفیه بنشانی عبیده بن مسعود شفی خواهر مختار را و وفات مادره ملدر را بهمین رسول الله صبح کردن عمر در این سنه
 و گذاردن زینب را بجا خود

سده مسیحی

سده هجری

اسیابنای شهر کوفه و شهر بصره از خشت و گل با عمر سعید بن ابی وقاص بعد از آنکه از قضبت و زنده بود و انشور گرفت
 اول بقعه که بنا شد در این دو شهر مسجد امین بود سبب بنای کوفه شکایت لشکر اسلام بود از و خامش آب هوای ^{بلاد}
 آنجا را که درین حدیقه و سلمان با عمر زینب کوفه را که عدل بغایع و اراضی عراق بود قصد نمودن هر طرفه مقاتله بود ^{عبد}

جراح را با اشاره و اعانتا اعراب جزیره مختص شدن ابی عبیده و اطلاع عمر بن سعد بن ابی وقاص را بفرستادن
تغایر بن عمرو و چند نفر دیگر از سران لشکر اسلام را بباری ابو عبیده و محاربتی شهرها شام بپوشیدن رفتن عمر از مدینه
و در آنجا بیه برای امداد ابی عبیده اطلاع اعراب معاوی بن هرقل از بیرون آمدن عمر و امداد لشکر عراقی بجا و نشانی عبیده
و مفرق شدن آنها بدمیار خود مقاتله ابی عبیده بار و مباحث لشکر اسلام و انزهار دو و آن و سپر آن مقاتله ابو عبیده با شخص
هرقل اتفاقا که را ابو عبیده بغلبه نصرت کرد محاصره نمودن عیاض بن غنم جزیره را مصلحتا اهل جزیره بدان جزیره و عامل
نمون جیب مسلح را بحکم جزیره و ولید بن عقبه را بر اعراب بجا فسخ کردن مسلمان شهر فدرا و مصلحتا آنها بجزیره سعی
سهیل بن عبد قح نمودن عبدالله بن عثمان نصیب با و مصلحتا کردن آنها با عبدالله بن ابی القاسم بن ابی القاسم
با اهل ارمیه و فتح نمودن بغلبه و مصلحتا کردن آنها بجزیره مقاتله عیاض بن غنم و محاصره نمودن شهرها را و غلبه عیاض
و انزهار آنها و فتح مسلمان مقاتله صفوان بن العطل با اهل حران و غلبه مسلمان و مصلحتا کردن آنها بجزیره فتح کردن عیاض بن
غنم بلساط و ارض بضا و فراء کنار فرات را تا جسر فنج و عین مدده و نال موزون و آمد و بیا فافزین و طود عبد بن و مار بن
و رزن و بللس و غلاط و عین الحامضه و ازار مینه و مصلحتا هر یک بجزیره عزل نمودن خالد بن الولید را از تقدم جوشن و سها
در این سنه سبب عزالت او این شد که در حاکم نداد کرد بدین خود را با چیزی که خمر خرد او بود عمره کردن عمر در ماه رجب این
سنه که بجای خود گذارد و بدین ثابت بجا بدو نوسعه نمودن در بنیاء مسجد الحرام و اذن دادن عمر اهل مدینه و مکه را
که بر سر پناه منازل بنا کنند برای ابناء سبیل که صابره بانی باشد و آب هندا آنها تزویج عرام کلثوم بنت علی بن ابی طالب
را که از فاطمه بنت رسول الله بود و بوجوب کمال التواریخ این اثر و غیره فرستادن علامه بن الحنفی بجزیره بن عمر شیا
را از مسلمان سپرداری جارد بن علی و سوار بن هار و خلید بن منذر التاوی بفارس بر تو بجزیره یاسفان و عبود کردن
رفتن آنها با صخره مقاتله کردن مسلمان با سپاه عجم سپرداری هر یک در جای که او را طاس می کفشد و حاصل شدن عجم و
سد طریق مسلمان بجزیره کشته شد جارد و سوار و اسید صا خلید بن منذر و اطلاع عمر و امر بعینه بن غزوان در بصره
بفرستادن امداد و امداد رسید از عبیده بن جحان خلید و مسلمان و فتح آنها و انزهار عجم و معاودت مسلمان عزل علان
الحنفی از بصره و عثمان و نصب نمودن عمر عثمان بن ابی العاص را بر آن نواحی استعفاء عبیده بن غزوان از امارت بصره
مغیره بن شعبه نامه انض غزلا و و نصب نمودن عمر ابی موسی اشعری را بر امارت بصره اجتماع عجم بر هر زمان در بصره
و اهواز و منازل و نهر نهری اسماعیل عبیده بن غزوان از سعد بن ابی وقاص و فرستادن سعد بن غنم بن المضر و بنی سعد
بامداد و فرستادن عبیده سلمی بن الفین و حرمله بن مرثله را و معسکه نمودن هر زمان مانند لب نهر نهری و مقاتله
سلمی و حرمله هر زمان را و بجهت سپاه نمودن و رسیدن بنی مضر و بنی مضر از کوفه و مقاتله کردن لشکر اسلام
لخرام هر زمان و عجم و عبود از جسر سوفا لاهواز و اقامه هر زمان در سوفا لاهواز حاصل شدن دجل بن شیبان
و رسیدن حر قوص بن زهر السعد با جمعی از مسلمان از بصره بامداد سلمی و حرمله و بنی مضر و عبود حر قوص بن مسلمان از
جسر و مقاتله با هر زمان و فرار او بر امهر مزینج لشکر اسلام سوفا لاهواز رفتن لشکر اسلام بر امهر مزینج و مقاتله با هر
بر امهر مزینج و امداد رسید از کوفه و بصره امهر مزینج هر زمان از امهر مزینج و فتح لشکر اسلام امهر مزینج اجتماع
مسلمان بظاهر کوفه و مقاتله شدید بالشکر عجم و هر زمان بطول انجامیدن مقاتله و محاصره کشته شدن بسیار
از مسلمان و بقتل آوردن هر زمان بر ام بن مالک و مجزاه بن ثوردا و شهادت محمد بن جعفر بن ابی طالب علیه نمودن
لشکر اسلام بعد از چند ماه فتح قلعه کوفه و اسپر نمودن هر زمان و رسیدن غنم بن غزوان بمسلمان فرستادن حسن بن علی و

در هر مرتبه جوشن

هر زمانه از عمر فتح کردن لشکر اسلام بغلبه بکند از مفاصلت بسیار سوس را بسعی ای سیزده بندهم و ذریه بن
با فن جسد ایسان بنی زادر سوس اطلاع دادن بعمر و امر نمودن بدفن آن فتح نمودن ابی سبیره بن رهم چند سپاه بود
حج کردن عمر در این سنه رفتن لشکر اسلام در این سنه بجانب کرمان از فارس بنابر بعضی از روایات فتح بیت المقدس
بدست عمرو بن عاص در این سال بود و سفرن هوس کشتن بزرگ بیت المقدس شهر بیت المقدس را شخص خلیفه در و تیم عمر
فصلیم کرد بنای مسجد اسلام در شهر بیت المقدس امر با فون دیکر پادشاه فرانک

سده هجری

سده مسیحی

اسپاه و فوج خطی و کرای این سنه در حجاز فرستادن عمر بن زید امرام شام برای فرستادن اطعمه و غلظه بدین آمدن ابو
عبیده با چهار هزار را حله طعام بدینه معاود و بنا بر سر عمل خود فرستادن عمر و عاص از دیار قلم اطعمه فراوان بدینه و از
شدن اطعمه بقیعت مصر و زیدن بادهای شدید که میباشند خالی مثل خاک تر و باین واسطه این سنه عام الرماد گفشد کوفتند
در این سنه از خنک و بیگانه هم و هوش بر تهر و جلیله اتش گفشد و قوع طاعون عوام در شام که کوفتند بسبب و پنجه
نفر در شام از طاعون هلاک شدند و فانی عبیده بن الجراح امیر لشکر اسلام در شام بطاعون و فانی معاذ بن جبل در شام
بطاعون و فانی سهیل بن عمرو در شام بطاعون و فانی زید بن ابی سفیان در دمشق بطاعون و فانی عبیده بن سهیل بن زید
و فانی حریز هشام در شام بطاعون و فانی علم بن عیلان الثقفی بطاعون رفتن عمر در این سال بعد از طاعون بشام
و حکم کردن او در اموال موارث لشکر اسلام و غیره منظم کردن عمر شامات و تقسیم کردن ارزاق و مسدود کردن ثغور
شامات و گذاردن علی بن ابیطالب علیه السلام در مدینه جای خود معاودت کردن بمکه بدین ماه ذیقعده اسلام آمدن
کعبه الاجار عامل نمودن عمر معاویه را در این سنه بجای بر پدر او در دمشق حج کردن عمر

سده هجری

سده مسیحی

فتح جلولا و مداین و جزیره و فتح قیساریه بدست معاویه و کشته شدن صفوان المعطل المسلمی را بعضی در این
سال نوشته اند حج کردن عمر و فانی کعبه اتش کردن حرقه اهل دی در ظاهر مدینه و خواوش نشدن و امر کردن عمر که
نصرت کنند چون نصرت کردند اتش خواوش شد **افریقا** فتح فنی از مصر بدست عمرو بن و تشریف شهر بلوز و
مفسر و محاصره نمودن اسکندریه

سده هجری

سده مسیحی

اسپاه عزل کردن عمر فلامین مطعون را از مجری و حد زدن او بواسطه شرب خمر و عامل نمودن ابی بکر را بکربان
و پناه ترویج کردن عمر فاطمه بنت ابولید را که مادر عبدالرحمن بن حوث بن هشام بود عزل نمودن عمر سعد بن ابی
وقاص را بواسطه شکایت اهل کوفه فتنه کردن عمر خیر را بر مسلمین و جلاد دادن بهو را از انجا فتنه کردن عمر وادی الفری
را بر مسلمین جلاد دادن عمر هونجران را بکوفه و فانی کردن اسپد بن حضرت و فانی زینب بنت جحش زوجه رسول الله
و فانی عباس بن نعم و فانی بلال بن رباح مؤذن حضرت رسول الله بدمشق و فانی مجلب و فانی انیس بن مرثد بن ابی مرثد
الغنوی و فانی سعد بن عامر بن حذیم الحمیری در حص و فانی ابی سفیان بن حرب بن عبدالمطلب و فانی صفیه بنت
عمر حضرت رسول الله کشته شدن مظهر بن الرفع الانصاری بدست فومی از جهو خیر که سبب جلای عمر آنها را همین
بود امری یا عتره ابو مجرب عبد الله بن قیس در ارض روم و فتح کردن و غنایم و اسیر آوردن مردن هرقل و
سلطنت سپاه او در قسطنطنیه و بعضی فون هرقل بلدر سال بسبب یک نوشته اند شش هفت بعد از فتح اسکندریه

افرنیقارفتن عمرو بن العاص و زبیر بن العوام بجانب مصر و مقاتله و ثلاثه عساکر اسلام با جنود مصر و مقوقس در عین لشکر
 و انضمام مصر بان بجانب مصر و فرار مقوقس بجانب اسکندریه محاصره مسلمانین و بالارفتن زبیر بن العوام بر سوی مصر و مشا
 مصریان و راضی شدن بصلح و بیرون آمدن رؤسا و مصالح نمودن بدادن جزیه و خواهرش بومرهم و ابومرهم ان عمرو بن عاص
 و اسرار و فرستادن نزد عمر خبیث و خنس غنایم را رفتن عمرو بن العاص بطرف اسکندریه و ملاقات عساکر اسلام با
 اسکندریه بین راه و مقاتله شدید با آنها و تبطل رسانیدن سپاه از آنها و انضمام آنها با اسکندریه و اظهار کردن
 مصالح نامدث معینه و قبول نکردن عمرو بن العاص محاصره نمودن اسکندریه که پس از چهار ماه محاصره در او اواخر
 اینسال مفتوح شد و کاتبخانه سلاطین از طایفه بطلهوس که بهترین کاتبخانه های عالم بود حکم عمرو بن عاص سوخته شد
 و فتح کردن بخارا بغنایم و بردن غنایم بسپاه و مصالحه آنها با عمرو بن عاص رفتن عمرو بن العاص جانب نوبه و بنا بر قول
 مقاتله مسلمانین با آنها و مجروح شدن بسپاه از مسلمانین بسبب آنکه اهل نوبه ما هر دین را ندازی بوده اند و مراجعت
 و بنا بر قول دیگر مصالحه کردن آنها قبل از مقاتله و آسپندان عمر از عمر و اجازه دادن عمر مصالحه را

سده هجری

سده هجری

اسبان فتح نهاوند و سو و بفتح الفتح و برداری بخان بن مفرق المنزله که در این جنگ کشته شد و معاونت مسایب بن
 افرع و مغیره بن شعبه ثقفی و طلحه بن خویلد اسد و فطرس بن هیر و شمردی و غیرهم و بعضی این فتح را در سال نوزده و پنجاه
 منربیت و جماعتی در هجرت نیز گفته اند فتح دینور و صیره و سپهران فتح همدان برداری نعیم بن مفرق و قعقاع بن
 عمر و فتح اصفهان برداری عبدالله بن عبدالله بن عثمان معاونه ابوموسی و غیره داخل شدن مسلمانین ببلاد عجم با امر
 خلیفه ثانی و لایط ابوموسی و کوفه بعد از عزل شدن عمار بن باسره و مغزول شدن او نیز و لایط مغیره بن شعبه
 کوفه و بعضی این حوادث را بسال بیست و دوم نسبت داده اند فرستادن عمرو بن عاص عقبه بن نافع الفهری را
 بفتح زوبله حج کردن خلیفه ثانی با جماعتی از مسلمانین و زبید بن ثابت را در مدینه جانشین خود نمود فرستادن عثمان
 ابن ابی العاص جماعتی را بساحل فارس بخاربه و فات کردن صممه که از صحابه بود در اصفهان در گذشتن علان
 الحضرمی در بحرین و مامور نمودن خلیفه ثانی ابوهریره را بجای او و فات نمودن خالد بن ولید در حصص بعضی
 قوت خالد را در سال بیست و پنجم و برخی در مدینه نوشته اند امر پاپا ابطالیا تصرف کردن پادشاه لمبارد
 بعضی از نقاط را که متعلق بفرق بود و واقع در ایالت ننگان

سده هجری

سده هجری

اسبان فتح همدان که باغی شده بودند تا بناید نعیم بن مفرق و بعضی این فتح را بدست جزی بن عبدالله و برخی
 برداری مغیره بن شعبه نوشته اند اجتماع اهل دلم و ذی اذریا بپان برای مقاتله بعساکر اسلام و مبارزت
 نعیم بن مفرق بقتال با آنها و شکست دادن آنها در وراج رود و این واقعه در عظم معادل جنگ نهاوند بود و فتح
 و ابهر و زنجان بدست البراء بن غالب و مقاتله البراء با کلان و طبلسان فتح ری برداری مفرق که غنایم عساکر
 اسلام در ری بقدر غنایم مداین بود بعضی فتح ری را بدست فرط بن کعب نوشته اند فتح قومس و جرجان و طبرستان
 بدست مویذ بن مفرق بر ادر عمرو بن مفرق فتح طرابلس غرب و بوقه بدست عمرو بن عاص و مقاتله با اهل بصره و مصالحه
 با آنها با خذرجیه فتح اذریا بپان برداری بکر بن عبدالله با معاونت سماک بن خرشده الانصاری و عبیده بن فرقد
 امر کردن خلیفه ثانی بجال خود که در اخذ حقوق رعایت موسم را نمایند تا بکسی ظلم وارد نیاید فتح بابک ابوب

برداری

بیراری سرافز بن عمرو و معاوند عبدالرحمن بن بعبه که این هر دو را ذوالنور میکشند و معاوند خلیفه بن اسید
 نقاری بکر بن عبدالله و سلمان بن ربیعہ الباهلی و غیر هم فتح موفان (مغان) بدست بکر بن عبدالله و مرد بن سرافز
 ابن عمرو و مقاتله عساکر اسلام با اهالی بلخ و ترک و کشته شدن عبدالرحمن بن ربیعہ سر کرده عساکر اسلام و مفرق
 شدن لشکر فتح خراسان بیراری اخف بن فیس و فراد کردن بزهد نافرمانه و بعضی این حوادث را بسال هجری
 نسبت داده اند برخی گویند خراسان در عهد خلیفه سیم فتح شد فتح شهر نود و دو صامغان بدست عبید بن فرید
 حکومت عبید را در ایچان حکومت هر شتره عمر بن عبدالمطلب در موصلا و شهر زودا را بر پایا جنگ کریم معاویه در بلاد روم
 افریقا حمل کردن عمرو بن عاص غلج زبادی از مصر بدین بجهت فخطی و سخنی که در مدینه رود داده بود و ترس کردن
 راهی که از نبل بحرا از قدیم بود بجهت سهولت حمل و نقل غلج فتح طرابلس عزیمت بر سر بدست عمرو بن عاص و قتل
 با اهل سبوه و مصالحه با آنها باخذ جزیه که بعضی این حوادث را بسال قبل نسبت داده اند

سده سی و سه

سده هجری

اسپان فتح بروج بیراری مجاشع بن مسعود و قتال شدید در این محل فتح جور (فروز آباد) و اصطخر و کازرون و نو
 بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی فتح شیراز و ارجان و سپهر بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی و ابو موسی فتح جانب جهر
 بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی و کشته شدن شهر از ملکراد کان عم و دیار و در مقاتله با عثمان بن ابی العاص و بعضی
 فارس و بعضی این حوادث را با اختلاف نوشته اند فتح شهر شاپور فتح نسا و در ایچان بدست سارتم بن زینم الدلیج فتح کوما
 بدست سهیل بن عدی و عبدالله بن عبان و بعضی گویند کومان را عبدالله بن بدیل بن و فاء الخراسانی فتح کرد فتح مجشع
 بدست عامر بن عمرو و عبدالله بن عمر و بعضی غیر از این گفته اند فتح مکران بدست حکم بن عمر و الثقفی و معاوند شهاب بن
 محارق و سهیل بن عدی و عبدالله بن عبدالله بن عبان مقاتله نمود در عساکر اسلام در پیر و ذوالخالد اهواز با سپاه عم
 و مغلوب شدند بمقتضای مسلمانان قیس لاسجعی با جماعتی از اکراد و غلبه کردن سلیم فتح کردن خلیفه ثانی که آخرین حج او بود
 کشته شدن خلیفه ثانی بدست ابولؤلؤه غلام مغیره بن شعبه را و اخر ماه ذیحجه فتح کردن معاویه عسقلان را و فاء
 فناء بن بخان الانصار و فاء عویم بن ساعد الانصار و فاء سهیل بن رافع الانصار و فاء بن عبدالله التیمی و ابو
 جنید بن سهیل عمر و برادر او عبدالله و ابو خالد حوشن قیس بن خالد و ابو خراش هذلی شاعر و غیلان بن سلمه الثقفی
 و صعیب بن جهم بن فیس اللبثی وقوع زلزله در طراسان که هفتاد روز طول کشید

عبید بن

سده سی و چهارم

سده هجری

اسپان بخت مسلمانان با خلیفه سیم در سیم محرم و بعضی چهار روز قبل از این روز را گفته اند عزل شد مغیره بن
 شعبه از ولایت کوفه و ابی بکر بن سعد بن ابی قحاص بر ایالات بعضی را عقیده انبیا که یکسال عمالی که از جانب خلیفه ثانی
 در ولایات عامل بودند در عمل خود مستقل و مشغول میبودند پس از انقضای مدت یکسال خلیفه سیم آنها عزل و نصب
 کرده و تغییر و تبدیلی داد در صورت صحیح این روایت عزل شدن مغیره بن شعبه از ولایت کوفه از حوادث و روایع
 سال سی و پنجم میباشد در هر حال پس از عزل مغیره سعد بن ابی قحاص بجای او ولایت یافت حج کردن خلیفه سیم با جماعت
 از مسلمانان بعضی گفته اند مسلمانان را در این حج عبدالرحمن بن عوف با خلیفه سیم همراهی نمود و فاء عبدالله بن کعب انصاری
 و سران و بن مالک بن جهم اللبثی و بعضی فاء سرافز را در عمر این سال نوشته اند چند فتح از قنوجات که قبل از این سنه
 نگاشته شد مورخین با اینسال نسبت داده اند چنانکه ابن اشر صاحب کامل التواریخ بدینطلب اشاره نموده است و ماینیس

این اجالا ذکر از این فخره کردیم **افریقا** غزوه و بن عاص از ولایت مصر و نصب عبدالله برادر رضای عثمان بجای او
بر و این صحیح و این عبدالله پسر سعد بن ابی سرح است

سند مسیحی

سند هجری

آسیا غزوه سعد بن ابی وقاص از ولایت کوفه و نصب ابیدین عبید بن جحاش و طغیان اهل آذربایجان و مصالحه نمودن آنها تا بنایا و ولید بن عبید مغانله عساکر اسلام با اهل ارمن و مصالحه کردن با آنها جنگ کردن معاویه با اهل روم و پس از مراجعت مامور نمودن یزید بن حرعلی و بهین غزوه و خراب نمودن او فلاح بنما بین طبرستان و افریقا فرستادن عمرو بن عاص عبدالله بن سعد بن ابی سرح را با طرف افریقیه با مرخلفه ستم و امداد کردن عمرو و ابوعبید از شتون و اجازه یافتن عبدالله از عثمان بجنگ جنگ با افریقیه فرستادن خلیفه ستم عبدالله بن عاص را بکابل حج کرد خلیفه ستم طبرای مسلمان مغانله حبش اسلام بار و مها و گرفتن فلاح بسپا از آنها بسرداری سلمان بن ربیع با هلی و فتح بلقان و تظلمش شکور و مصالحه کردن حکمران سکر و پادشاه شروان و سایر ملوک خیال و غیره با مسلمانان بدادن خراج افریقیا خلاف و تقض اهل اسکندریه نسبت بخلافنا اسلام و نده بر آنها

سند مسیحی

سند هجری

آسیا از روم و وسیع نمودن مسجد الحرام با مر عثمان و تجدید کردن سنه و حج کردن خلیفه ستم فتح افریقیا ثابنا بدست عثمان بن ابی العاص جنگ معاویه بن ابی سفیان در فسطاط و فانت حصه خضر عنین خطا که از زوجات حضرت رسول بود و بعضی وفات حصه در سنه چهل و یک و برخی در سال چهل و پنج نوشته اند اینها مامور شدن عبدالله بن سعد بن ابی سرح از مصر بجنگ بعضی بلاد افریقیه با معاونه عبدالله نافع بن عبدالقیس و عبدالله بن نافع بن الحرث و غیرها و مغانله با جرجه و ملک افریقیه که از طرابلس تا طنجه در تحت فرمان او بود و بهر فل پادشاه و دوسر الضری خرلیج میداد و فتح سبطله از شهرهای افریقیه در نزدیکی فیلن و کشته شدن جرجه و مقبول شدن ابودوب هندلی شاعر درین جنگ فرستادن عثمان عبدالله بن نافع بن الحسین و عبدالله بن نافع بن عبدالقیس با مجاریه اندلس و فتح کردن ایشان

سند مسیحی

سند هجری

آسیا نفوس نمودن عثمان ابانله اندلس با عبدالله بن نافع بن الحسین حج کردن عثمان

سند مسیحی

سند هجری

آسیا مزاج عثمان با ناله دخر فراضه که نصرانی بود و اسلام اختیار نمود حج کردن عثمان در این سال افریقیا جنگ کردن حبیب بن مسلمه بار و میان در سوسه از خاک روم افریقیا لشکر کشیدن معاویه بجزیره قبرس و مصالحه اصل این جزیره با معاویه بدادن سالی هفتصد هزار دینار جزیره و وفات ام حرام بنت ملحان در جزیره قبرس یا نکه حضرت رسول خبر داده بودند و بعضی واقف قبرس را در زمان بسپت و نه و بر خمد و سنه سی و سه نوشته اند در هر حال پس از فتح معاویه جماعتی را مامور کرد تا قبرس مسجد بسا خدا از مساجد صحابه در جنگ فزین بودند از جمله ابوذر غفاری

سند مسیحی

سند هجری

آسیا مغربل شدن ابو موسی از ولایت بصره منصوب شدن عبدالله بن عامر بن کوثر بن ربیع بن حبیب بن عبدالمطلب بجای او حکمرانی عثمان بن سعد در خراسان که در آن صفحات سلطانی بهم رسانیده راند تا فرغانه حکمرانی عبدالله بن

عمر الشقی در سجستان که او نیز ناکابل را در تحت حکمرانی خود در آورده و مأمور شدن عبدالله بن معمر مکران که تا چون راند
 مأمور شدن عبدالرحمن بن عیسی بکرمان مأمور شدن جاعق بن فارس و اهواز طغیان اهل فارس در رساندن عبدالله بن
 عامر لشکر از بصره ببلخ و فتح کردن عساکر اسلام اصطر و دارا بجمرد و جوی (فیروز آباد) را و مصفی نمودن آن حدود را
 از طغیان باغیان و نوشتن انبواغه را عثمان و امر کردن عثمان بانکه هر مین جهان لشکر و هر مین جهان عساکر خیز
 راشد و مجابین راشد و نجران الهجری را در بلاد فارس عامل نمایند حکومتی اخف و رمز حکومت جیب بن قرة البر بوعی در
 بلخ حکومت خالد بن عبدالله بن زهر در هرات حکومت امیر بن احمد در طوس حکومت فیس بن بهیه التلی در نیشابور از کردن
 عثمان بر مسجد حضرت رسول و نقل کردن کج از بطن نخل بمیدانه برای عمارت مسجد و بنا کردن آنرا با سنگهای مندرش و
 ستونهای آنرا سنگی نمودن و در چمن سر بر آنها و فرار دادن طول مسجد را بصد و شصت ذراع و آنرا بصد و پنجاه
 ذراع حج کردن عثمان و سرای در مدین در منی که اول سراییده بود که عثمان در منی نده بود نماز را با تمام کردن که بچین
 جنه شروع کردند بعضی گفتگوها در حق این خلیفه و بر حق این فخره را نسبت ببال سی ام داده اند

منتهی

ششمین

آسیا غزل و لپیدن عقبه از کوفه و نصب سعید بن عاص بن اقمه بجای او گرفتن سعید بن عاص گرگان را صلحا و غنچه را
 قالا و در این عمر حضرت امام حسن و امام حسین و ابن عباس و بعضی دیگر از معارف با او بودند مقاله حدیث بن ابمان
 در باب ابواب بقصد معاونت عبدالرحمن بن ربیع بن اخطاف در فتح فرات و امر کردن عثمان با سنسناخ فتح
 چند از روی فتحی که بجز این خلیفه در آن وقت خنجر عمر بود پس از سنسناخ منتشر نمودن این خنجرها تا پدید کردن از خنجرها
 که با یکدیگر اختلاف داشتند اما در تمام حضرت رسول در چار پس که واقع در دو میل از شهر مدینه بوده از دست عثمان
 و پیداشدن آن و ساختن خانمی بشکل آن برای مهر کردن نامی که آن نیز در مقبول شدن عثمان مقفود شد فرستادن معاویه
 با در از شام بمدینه خواهش کردن ابوذر از عثمان رفتن و امانت کردن در ربنه را و قبول شدن این خواهش فاش طغیان
 ابن طبعه الحنفی و فاش عمر بن ابی سرح الفهری فوت مسعود بن ربیع با ابن ربیع بن عمر و فاش عبدالله بن کعب بن عاص
 در گذشتن عبدالله بن مظعون برادر عثمان فوت در حبه کلبی صحابی بقولی

سومین

ششمین

آسیا بعضی فتح ارمینیه را بدست جیب بن مسلم در این سال یعنی در سال سی و یکم نوشته اند هلاله شد نیز در
 آخرین دیاد شاه عم از سلسله ساسانی در سرد در خانه شخص آسپانی و دفن کردن یکی از روسای مذهبی نصاری و
 و ساختن خطره برای فرار و منفرض شدن دولت عم هلاله نیز در کرد بیست سال سلطنت کرده بود چهار سال با ساس
 و شانزده سال در زد و خورد با عساکر اسلام لشکر کشیدن عبدالله بن عامر بخراسان و فوجاها و در این سفر صلحا و قهر
 از این فرار یو طیبین صلحا نهندان صلحا زام و با خزر و جویان از اعمال نیشابور به قیامت نیشابور و خوآن اسفزان
 از عیان نیشابور نساء ابو جرحس طوس هرات باد غلبن بوشخ مر و سوا بخرم و در طخارستان و غیره از همین
 اهالی جو رجوان و طالقان و قار یاب با جمعیت زیادی با عساکر اسلام مفاظه شدیک نموده مغلوب شدند و جیب اسلام
 جو رجوان را قهر بگرفتند و طالقان و قار یاب و بلخ را نیز فتح کردند و لشکر اسلام بخوارزم رفتند و در بلخ مرام معاویه
 کرد و ابن عامر پس از این فوجان لشکرانه را از نیشابور بجز مریج عمر و روانه شد فتح کرمان و ولایات این اهلان از
 سوجان و جرف و غیره ببرداری مجاشع بن مسعود سلی حکم عبدالله بن عامر فتح سجستان و کابل و بلاد این نواحی

بأمور تبیع بن زیاد حارثی از جانب عبدالله بن عامر فتح کردن معاویه و ابی سلم جزیره بردن و لشکریان مجتهد بر وی
 که از دینت هشتاد سال قبل از حضرت عیسی درین جزیره برپاشده و یکی از هیفت عجایب عالم بود حج کرده عثمان
 فوت بود و انصاری که بعضی در سال سی و دویم نوشته اند فوت ابو طلحه انصاری که نیز بعضی در سال سی و دویم
 نوشته اند بر وی در سال پنجاه فوت ابواسید الساعدی که بعضی در سال شصتم نوشته اند فوت ابوسفیان بن حرب
 بن عبدالمطلب بن هاشم و برادر او طفیل و ابوسفیان بن حرب بن امیه در هشتاد و هشت سالگی امر سپاد و قوی غزوه
 سواری یعنی لشکر کشیدن سطنطین بن هرقل بمقالله مسلمین که با نصدا یا ششصد نفر و نیکو کشتی حامل فستون او بود با همه
 بازرگانی که درین مالکی که از افریقیه و غیره از نصر تا و خارج شده بود و مقاتله لشکر شام که در تحت حکم ابی معاویه بود
 با معاویت حسا که مصر و اسکندریه که در تحت عبدالله بن سعد بن ابی سرح و مجموعاً چهل سفینه بودند ایشانرا و ناله
 فتن در میان درباد در محل موسو بنان الصواری و قال شدید و فتح عساکر اسلام و زخمی شدن سطنطین و
 فرار او که پس از وصول بصنبله نصاری و در بچده او را هلاک کردند و کوفتند را بنغزوه محمد بن ابی بکر با مشایخ خود
 در مصالح جهات آنها میزند که بمیل عبدالله بن سعد بن عبدالله آنها را منع کرد و اینفقره سید شد که آنجا عتبات
 مثالب عثمان پرداخته و گفتند بر خلاف سنت حضرت رسول و شیخین رفتار کرده از جمله عبدالله بن سعد که حضرت
 رسول حکم بقتل او کرده بودند و فرار بکفر او نازل شده عثمان او را حاکم ممالک اسلام مینماید و ذکر اینگونه گفتگوها
 از این وقت باز شد و بعضی غزوی و سواری را در سال سی و چهارم نوشته اند

۶۵۲ هجری

سده هجری

امیران بن عبدالرحمن بن ربیع بنغزوه بلخ و کشته شدن او و جمعی کثیر از عساکر اسلام و مفترق شدن آنها بیابان ابواب
 و کپلان و کرکان و قاتابو در در ریزه و بعضی قاتابو در سال سی و ستم نوشته اند طغیان فاران که یکی از مرز به
 عجم بود در خراسان و مقاتله او با عساکر اسلام و غلبه کردن عبدالله بن حازم بر او که بدین واسطه پارت خراسان از حازم
 شد و پس از این شغل معاف گردید و قاتابو عباس رضی الله عنه عم حضرت رسول در هشتاد و هشت سالگی
 فوت عبدالرحمن بن عوف در هشتاد و پنج سالگی فوت عبدالله بن مسعود فوت عبدالله بن زید بن عبد ربیع امر سپاد
 کوفت در این سال معاویه بن ابی سفیان در سنکه سطنطین خلیف کرد و زوجه او عاتکه دختر فرطله و بر و ابی زوجه او خانه
 با او بود

۶۵۳ هجری

سده هجری

اسپار رفتن اخف بن عبدالله بن خراسان و فتح مرو بن و بعضی فتن عبدالله بن عامر را خراسان با وفایمی که در طی
 سال سی و یکم مسطور شد نسبت با پنجاه ده اند و بعضی فتح قبرس را که نیز پیش ذکر شد از وقایع این سنه دانسته اند
 جامعنی بر این اند که قبرس در سال بیست و هشتم فتح شد ولی در سال سی و دویم جمعی از رومیها ملین را سفیان که اسبنا
 جنگ بجز پیشک کرده و معاویه در سال سی و ستم قبرس را بعلیه فتح کرد و آنها را بساخن مساجد و شهری و داشت
 جامعنی این جنگ آخری را بسال سی و پنجم نسبت داده اند نامه نوشتن سعد بن عامر و بعضی از اشراف کوفه بعتمان و اخبار
 نمودن او باینکه مالک بن حارث نخعی مشهور با شرف و ثواب بن قیس زید بن صوحان و صعصعه بن صوحان و عروه بن
 عدی و کلیل بن زیاد و غیره زبان بطعن و عیب او گشوده اند و انداز بظهور مناد و حکم کردن عثمان بنی سادات آنجا عت
 بشام نزد معاویه امر کردن معاویه را بنصیحی آنها و قبول کردن ان نضایح را و حکم کردن خلیفه بنی سادات آنها جمعی

تر عبد الرحمن بن خالد ناوی بخبر ایشان از آنم کند حج کردن عثمان فوت بغداد بن عمر و معروف بمقداد بن اسود صاحب رسول الله و فاطمه و فاطمه و حنین پسران حرث بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف و بعضی فونشانند و در سال سی و یکم و در سال سی و دویم نوشته اند **امروا** یا **جنگ معلوبه** در حصن مرأه از خاک روم در نلجه مطبوعه **افریقا** جنگ عبدالله بن سعد در افریقیه تا بنا بجهنم عصیان آنها

سده سی

سده هجری

اسپان زاد شدن و بخش مردم از عثمان و شاک شدن از او بواسطه کثرت و قتال او و مناصبی که با توام و عشره خوار بنی امیه بمقداد و عطایای فزونی که با آنها بذل میکرد و تقیبت از اخراج نمودن بعضی از صحابه و مسلمانان و از او طان خود غلام سعد بن عامر از امارت کوفه و نسیب ابو موسی اشعری بجای او محض خواهر و اسیر ضای مردم کنگوی مردم با علی بن ابیطالب در باب اعمال عثمان و ظلم و جور بنی امیه نسبت بمسلمانان و رفتن آنحضرت بجانه عثمان و نصیحت کردن او و ترن کردن و امر از مرغان بن حکم در فرای کار و ابرام علی بن ابیطالب علیه السلام در اطفاء ناپره فساد و ذایم آمدن مقدمه قتل عثمان و فتن کعب الاحبار که کعب بن مایع باشد و فتن ابو عبید بن عثمان بن جبر الانصار و فوت مسطح بن اثاثه المطلبی و برخی گویند مسطح در جنگ صفین زنده و حاضر بود فوت عباد بن صامه الانصار و فتن عاقل بن بکیر

سده سی

سده هجری

اسپان آمدن جماعتی از مصر شکایت بدین و جماعتی از کوفه نیز همین جهت از بصره و طغیان و شورش بر عثمان و استبداد عثمان از اهالی بلاد و امضا و غریب جمعی معاونه و امداد او و اشتغال ناپره فساد بشدت و گرفتن دور خانه عثمان را و در اشرف چهل روز در بند محاصره داشتن و فرستادن علی بن ابیطالب علیه السلام آبر برای عثمان و حسن بن علی علیه السلام برای دفع شر از او و مشغول شدن عثمان در خانه خود در ماه ذیحجه اینسال در حالیکه فرمان مجید در نزدیکی او گذاشته بود و در چنین خون او بر صفحه کلام الله بر تو این شریفه فسیکفکم الله و مورخین در فتن عثمان اختلاف کرده اند بعضی گویند فتن عثمان سودان بن حمران بوده برخی گمانند بن بشر الحنظلی یا گفته اند بعضی غافقی و قیره بن عزم دیگران و فتن بن حمران فتن عثمان بوده ظاهر انجمله مدخلت مشارکت در این فتن داشته و عمر بن الخطاب پس از مجروح شدن عثمان بنه ضربت کار او را تمام کرده است در روز وقوع این واقعه نیز اختلاف است بعضی در هجدهم ذیحجه و زمره در ایام الشریقی ایماه نوشته اند بیعت مسلمانان با علی بن ابیطالب علیه السلام روز بیست و نهم یا بیست و ششم ذیحجه **امروا** یا در اینسال بن هرقل با صد کشتن و شون متوجه قتال مسلمانان شد ولی طوفان شدیدی سفاین او را غرق کرده و او و فغان یافت و مراجعت کرد و در صقلیه و مینا او را در حمام بکشتند بعضی انواقعه را نسبت بسال سی و یکم داده اند در اینصورت واضر همان غزوه صواری است که در سال سی و یکم ذکر شد برخی نیز در سال دیگر نوشته اند ولی اصح روایات اینست که در اینسال معویه و ابی شام که مصمم لشکر فسطاطیه بود در سواحل لیبی با سفاین جنگی فسطاطین بلاق غزوه جنگ سختی بجری و وی داد و معویه غلبه کرده و فتح نمود

سده سی

سده هجری

اسپان قبول کردن ابو موسی و ابی کوفه و اهل کوفه بیعت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با آمدن اشرف مین بینه بنی هاشم آنحضرت و قبول بیعت نمودن غریب علی بن ابیطالب علیه السلام بر عزله عمالیکه از جانب عثمان بر سر عمل بودند و منع کردن مغیره بن شعبه آنحضرت را از انجیل بخصیص از غزل معویه و ابی شام و نصیحت کردن عبدالله بن عباس کلام مغیره را و ابای آنحضرت

از قبول